

# همشهری



رهبر انقلاب در دیدار رئیس و اعضای شورای رهبری حماس:

## مردم غزه الگو شدند

پیروزی مردم غزه بر رژیم صهیونی غلبه بر آمریکا بود

صفحه ۳

با افتتاح ۱۰ بازار میوه و تره بار جدید در پایتخت

## دسترسی به میوه ارزان آسان تر شد

با راه اندازی بازارهای جدید، ۱۲۰۰ مترمربع به سرانه خدمات رسانی تهران افزوده شد



۱۰۰ محله در تهران

تا پایان دوره ششم مدیریت شهری از بازار میوه و تره بار بهره مند می شوند.



۲۵ هزار فرصت شغلی

مستقیم و غیرمستقیم در بازارهای میوه و تره بار ایجاد شده است.



با اسکن این کیو آر کد، گزارشی درباره افتتاح همزمان ۱۰ بازار میوه و تره بار در پایتخت ببینید.

صفحه ۱۳

تمهیدات ویژه پایتخت برای برگزاری راهپیمایی ۲۲ بهمن

## روز خوب پیروزی

ارائه خدمات رایگان در مسیرهای منتخب

محورهای خدمات رسانی حمل و نقل عمومی کدامند؟

صفحه ۱۴

نگاه

محسن مهدیان؛ مدیر مسئول

## لحن قاطع رهبر انقلاب درباره مذاکره



رهبر انقلاب درباره مخالفت با مذاکره لحن قاطعی داشتند؛ روشن و شفاف و صریح با یک استدلال بسیار ساده؛ دلیل

مخالفت: تجربه.

اما چرا؟ این مخالفت یک منطق بااهمیت دارد؛ همان دلیلی که یکبار به خاطر آن در مذاکره با آمریکا همراهی کردند.

اجازه دهید به گذشته برگردیم. سال ها پیش وقتی بحث مذاکره در دولت وقت مطرح شد، رهبر انقلاب یک جمله تاریخی دارند. فرمودند که به مذاکره خوش بین نیستم، اما اجازه دادند تیم مذاکره کننده با منطق و مدل خودش عمل کند؛ با همان مدل دیپلماتیک و همان زبان دنیا و حتی همان خنده ها و قدم زدن ها و... اینکه چه میزان برجام مطابق خط قرمزهای رهبری انقلاب پیش رفت، مسئله دیگری است، اما اصل موضوع این است که مذاکره در سبانه همراهی رهبری انقلاب پیش رفت. باین حال، نمره اش چه شد؟ طرف مذاکره که در طول چانه زنی های دیپلماتیک هم زور گو بود و هم زیاده خواهی داشت و هم نتیجه نهایی را به نفع خودش رقم زده بود، در عمل به همان تعهد حداقلی نیز پایبند نماند و زیر توافقنامه زد و عهدشکنی کرد و از این قلدری نیز هیچ گاه پشیمان نشد.

امروز از آن ماجرا چندسالی گذشته و حالا همراهی رهبر انقلاب به مخالفت صریح و روشن تبدیل شده است. اما چرا؟

یک روز با مذاکره موافقت کردند برای رشد جامعه و امروز مخالفت کردند برای تثبیت همان رشد عمومی.

آن روز که برخلاف پیش بینی خود به مذاکره مجوز دادند، قصدشان یک تجربه تاریخی بود و امروز که با مذاکره مخالفت می کنند، غرض نهایی صیانت از همان تجربه تاریخی است. آن روز که از نظر خود عدول کردند، به افکار عمومی احترام گذاشتند و امروز به افکار عمومی با آن تجربه شکل گرفته است باز هم به احترام افکار عمومی مخالفت می کنند. مسئله دولت ها و جریان های سیاسی نیستند؛ مسئله مردمند. مخالفت امروز، ادامه همراهی دیروز است و این اصلی است که دغلبازان سیاسی و مکاران غریزه و کاسبان آمریکا پرست نمی فهمند، اما مردم هوشیارند.

## «بال و پر خویش گشودن آموز»

رئیس جمهور و مقام های مختلف دولت چهاردهم روز شنبه بر تبعیت از رهنمودهای اخیر رهبر معظم انقلاب تأکید کردند

بخش اول:

### «پریدن نتوان با پر و بال دگران»

شعری که پزشکین از اقبال لاهوری خواند: در جهان بال و پر خویش گشودن آموز

که پریدن نتوان با پر و بال دگران

پیام اصلی: بهره گیری از توان داخلی برای رفع مشکلات

بخش سوم:

### «تبعیت دولت از رهبری»

#### مسعود پزشکیان، رئیس جمهور:

تأکید بر سخنان و نگاه زیبایی رهبری در بازگشت به توانایی های داخلی

#### سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه:

سخنان رهبری معظم به عنوان راهنمای دیپلماسی

#### فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت:

وفاق و همدلی در مذاکرات

#### الیاس حضرتی، رئیس شورای اطلاع رسانی دولت:

فراموش نکردن بدقولی و تهدید آمریکا

#### سیدمهدی طباطبایی، معاون ارتباطات دفتر رئیس جمهور:

حمایت رهبر انقلاب، پشتوانه دولت

#### علی احمدنیا، رئیس اطلاع رسانی دولت:

دغدغه اصلی دولت در رفع مشکلات معیشتی با هدایت رهبر انقلاب

بخش پنجم:

### «جریان سازی علیه دولت»

#### تلاش های گروه های مخالف برای ایجاد شایعه و تحریک نارضایتی:

موج سواری در شبکه های اجتماعی با کلیدواژه «استعفا پزشکیان»

الگوگیری از رفتار حسن روحانی وسی در فشار بر رئیس جمهور

واکنش های قاطع دولت و بیانیه های مقامات در پاسخ به

این جریان سازی ها

یادداشت

مهدی چمران؛ رئیس شورای اسلامی شهر تهران

## وعده ما؛ ۲۲ بهمن نمایش وحدت و عزت ملی



مردم قهرمان و همیشه در صحنه ایران اسلامی! امت بیدار و سرافراز اسلام! جوانان

انقلابی و پرچمداران عدالت و آزادی!

۴۶ سال از آن روز تاریخی می گذرد که ملت خداجوی ایران، با دستانی خالی اما ایمانی راسخ، با تکیه بر آموزه های اسلام نساب محمدی و با پیروی از رهبری حکیمانه امام خمینی (ره)، در برابر استبداد داخلی و سلطه خارجی قیام کرد و انقلابی را رقم زد که نه فقط ایران، بلکه جهان را دگرگون ساخت؛ انقلابی که فریاد مظلومان شد؛ الگوی بیداری ملت ها و پرچمدار مقاومت در برابر استکبار جهانی و صهیونیسم بین الملل شد. امروز در طلیعه آغاز نیمه دوم قرن انقلاب، در حالی این حماسه بزرگ را گرمی می داریم که دشمنان ملت ایران با تمامی توان خود به جنگ اقتصادی، رسانه ای و فرهنگی علیه ما روی آورده اند. آنان که در سال های ابتدایی انقلاب، در خیال خام خود، امید داشتند این نهضت عظیم در نطفه خفه شود، امروز نظاره گر ایران قدرتمندی هستند که در همه عرصه های علمی، فناوری، نظامی، اقتصادی و فرهنگی به قله های پیشرفت دست یافته است.

رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله العالی)، در بیانیه گام دوم انقلاب، مسیر پیش روی این ملت را ترسیم کرده اند؛ بیانیه ای که چراغ راه نسل جوان و تمامی دلسوزان این کشور است. این بیانیه، ما را به خودسازی، جامعه پردازی و تمدن سازی دعوت می کند و تکلیف همه ما را در مسیر ساخت ایران قوی و پیشرفته، روشن می سازد.

مدیریت شهری نیز در این مسیر مسئولیتی سنگین بر دوش دارد. تهران به عنوان ام القریای جهان اسلام و قلب تپنده مقاومت، باید پیشگام تحقق آرمان های انقلاب اسلامی باشد. در همین راستا، شورای اسلامی شهر و شهرداری تهران، خود را موظف می دانند که با بهره گیری از ظرفیت های داخلی، اجرای عدالت اجتماعی، توسعه زیرساخت های شهری و بهبود کیفیت زندگی مردم، گامی بلند در مسیر تمدن نوین اسلامی بردارند. برنامه هفتم توسعه که نقشه راه پیشرفت کشور در سال های ۱۴۰۳ تا ۱۴۰۷ است و برنامه چهارم شهری تهران به عنوان یکی از مهم ترین اسناد بالادستی، محور اقدامات مدیریت شهری خواهد بود.

### تهران؛ پایتخت مقاومت و عدالت

شهر تهران، پایتخت انقلاب اسلامی، نه فقط یک شهر بلکه نماد ایستادگی ملت ایران و پایگاهی برای تیلور آرمان های انقلاب اسلامی است. مدیریت شهری تهران با الهام از اصول گام دوم انقلاب و در چارچوب قانون برنامه هفتم پیشرفت، خود را متعهد می داند که در همه حوزه های شهری، از حمل و نقل و معماری اسلامی تا مدیریت هوشمند، عدالت اجتماعی و توسعه فرهنگی، حرکتی نوین و جهادی را سرلوحه امور خود قرار دهد. ما بر این باوریم که تهران باید در تراز یک شهر اسلامی-ایرانی و نمونه ای برای همه شهرهای جهان اسلام باشد. این امر جز با عزم و اراده راسخ و تلاش مدیران جهان شهری، همراهی مردم عزیز و همدلی تمامی دلسوزان انقلاب اسلامی ممکن نخواهد بود. تهران باید شهر مقاومت، شهر ایستادگی، شهر پیشرفت و عدالت باشد؛ شهری

که در آن کرامت انسانی، حقوق شهروندی و عدالت اجتماعی، نه در شعار بلکه در عمل محقق شود. تهران نه فقط یک شهر بلکه مهد انقلاب اسلامی و نماد ایستادگی در برابر مستکبران جهان است.

## سرای ایرانی

مجموعه بازارهای تخصصی لوازم منزل

قم | اصفهان | تهران: سه راه افسریه

«باید چشم از دیگران برداریم»

مجموعه ای از نکات راهبردی بیان شده توسط رئیس جمهور در سفر به سیرجان:

- تأکید بر اعتماد به خود و تکیه بر ظرفیت های بومی
- باور به توانایی حل مشکلات با وحدت و همبستگی
- ضرورت بهره گیری بهینه از منابع موجود و تشکیل یک چشم انداز روشن برای آینده
- تبدیل ایران به کشوری مستقل و آزاد از هرگونه فشار خارجی
- باور به اینکه با اراده و عزم راسخ، راه حل پیدا خواهد شد.



6 260641 200359



6 260641 200014













# همشهری

نیست در بازار عالم خوشدلی و زن که هست  
شوه رندی و خوش باشی عیاران خوش است

صفحه آخر

www.hamshahronline.ir | همشهری  
سایت روزنامه: newspaper.hamshahronline.ir

دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سید کمال قرینی، شماره ۱۴  
کد پستی: ۴۵۹۵۶-۴۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ | تهران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵/۵۴۴۴  
تلفن: ۰۲۰-۲۳۰۰۰۰۰۰ | فکس: ۰۲۰-۲۳۰۰۰۰۰۰

پدیرش آگهی: ۸۳۲۳۱۰۰۰ | توزیع و اشتراک: موسسه نشر گستر امروز نوین  
چاپ: همشهری | تلفن توزیع: ۶۱۹۳۳۰۰۰ | تلفن اشتراک: ۶۱۹۳۳۱۱۴  
تلفن: ۲۸۰۷۵۰۰۰

**جامعه:**  
دیروز همه طباطبایی  
گزارش:  
دیروز فاطمه عسگری نیا  
۳۴ (سیمنا و تاورینون)  
دیروز سعید فروزی  
دیروز علیرضا محمودی  
**صفحه آخر:**  
دیروز جواد نصرتی

**سیاسی و دیپلماتیک:**  
مدیر: حسین ارجلو  
**شورنگار:**  
مدیر: عباسی محمدی  
دیروز مریم سرخوش  
**سرخ:**  
مدیر: جواد عزیزی  
دیروز محمد جعفری  
**داستانها:**  
دیروز ساسان شادمان  
دیروز زهرا خلجی  
**سرزمین من:**  
مدیر: محمد باریکانی

**صاحب امتیاز:**  
مؤسسه همشهری  
مدیر مسئول: محسن مهدیان  
مدیر: دانیال معمار  
دیروز تحریریه:  
سیدمجتبی صادقی  
معاونان سردبیر:  
شهرام فرهنگی، علی عمادی  
شاهین امین، حامد فوقانی  
مدیر فنی: حامد یزدانی  
مدیر هنری: مهدی سلامی  
دبیر: عکس: امیر پناهیور

## کوچه گرد

### قاشق آمد، نان استعفا کرد



لیلا باقری

می دانستید در گذشته نان فقط نقش سیرکننده در سفره نداشت و بزرگوار مسئولیت‌های مختلفی را به دوش می کشید، بدون اینکه غر بزند؟ از هر نوعی که بود، چه لولوش فقرا و چه سنگک اعیانی، بدون هیچ اختلاف طبقاتی باید جز سیر کردن شکم، کار بشقاب و قاشق و چنگال را هم انجام می داد؛ حتی برای بعضی برکت شناسان ها، نقش دستمال سفره را هم بازی می کرد.

این مورد آخر را دکتور پولاک با جفت چشمان خود دیده و نوشته است: «حتی بزرگان نیز قبل از آنکه نوکرانسان با آفتابه و لگن خدمتشان برسند، دست خود را با نانی که در سفره بود از چربی می زدودند.»

شاید بگویید دیگر این طورها هم نبوده است، آنکه اشی رانمی توان روی نان ریخت... که اگر این را گفتی، کاملا مشخص است که ابتکار عمل ضعیفی داری. نان را آن قدری در آش و آبگوشت خرد یا همان ترید می کردند که بتوان با دست خورد. البته اینها را نگفتم که به قول امروزی ها، قدیمی ها را «چاج» کنیم؛ اگر ان شاء الله دستهایشان را می شستند، خیلی هم به آنها مزه می داده و نوش جانشان. وقتی قاشق ندری، باید با دست غذا بخوری دیگر. اما ماجرای آمدن قاشق...

دور از ذهن نیست که ناصرالدین شاهی که به فرنگستان می رود و با خود دوربین عکاسی می آورد، گوشه چمدانش قاشق و چنگال هم بگذارد. البته چندان کار با قاشق را بلد نبوده که خوشبختانه سپهسالار، که با کیفیت غذا خوردن اروپاییان آشنایی داشته، قبل از نخستین سفر شاه، غذا خوردن با کارد و چنگال را به جای انگشت و دست به او آموزش داده بوده. شاه که قاشق به دست گرفت، کم کم درباریان و اشراف و اعیان نیز قاشق دار شدند.

حال، غرض از بیان این ماجرا این نبود که بگویم ایرانی جماعت تازه ۱۵۰ سال است قاشق به دست گرفته و خودتخریبی کنیم، بلکه دقیقا می خواهم بگویم ایرانی جماعت تازه ۱۵۰ سال است که قاشق به دست گرفته و دمش گرم که با این عقب بودن از دنیا، بد دیدن از شرق و غرب، جنگ جهانی و برهه های همیشه حساس کنونی، هر روز بیشتر رشد کرد و هر جایی چیزی برای یاد گرفتن بود، رفت و یاد گرفت. پس بار بعد اگر فکر کردیم از چیزی عقب هستیم و از این عقب ماندگی ناراحتیم، سپهسالاری باشیم برای مردم شاهزاده مان، نه مانند جهانگرد رنگی که تازه با خاک گذاشته و فریاد و حیرت اسر می دهد و غر می زند و مسخره می کند. چراکه ایران فقط از مسیر توسعه است که می تواند همیشه ایران عزیز ما بماند.



بالسکن این کیوار کد  
پادکست مربوط به یادداشت  
را بشنوید.

## تهران رنگی

ماجرای جالب و عجیب اولین عکس های رنگی پایتخت



فاطمه عباسی

تهران از معدود شهرهای خاورمیانه است که عکس های بسیاری توسط عکاسان ایرانی و فرنگی از آن در آغاز تاریخ عکاسی در اواسط قرن نوزدهم گرفته شده است. به همین دلیل هم عکس های این شهر جاگانه و ویژه ای در میان نخستین عکس های تاریخ این هنر در جهان دارد. اما جالب است بدانید با اینکه در آن زمان تمامی دوربین ها عکس های سیاه سفید ثبت می کردند، چندین عکس رنگی از تهران و آدمهایش وجود دارد که حکایت جالبی دارند. ماجرای این است که پای دوربین عکاسی نژدیک به ۳ سال پس از اختراع آن به ایران باز شد، اما چندین دهه زمان برد تا عکس رنگی در ایران گرفته شود و در این مدت عکاسان از روش

رنگ کردن عکس پس از ظهور استفاده می کردند. در واقع نخستین راهی که عکاسان برای رسیدن به عکس رنگی به فکرشان رسید رنگ کردن عکس پس از ظهور آن بود. اقدامی که به رنگ های خاصی با قابلیت ماندگاری زیاد نیاز داشت. آنها در این روش عکس را ظاهر می کردند و سپس با دقت فراوان و با قلم نقاشی آن را مطابق واقعیت و گاه به رنگی که می خواستند در می آوردند. این روش بین عکاسان و مجموعه داران عکس در ایران عصر قاجار هم رواج داشت و آنها کپی های متعددی از یک عکس را با رنگ های متنوع رنگ آمیزی می کردند. البته باید تأکید کرد که در ایران همیشه عکاسان دست به این اقدام نمی زدند، بلکه هر کسی که دستی در نقاشی و گچی از یک عکس داشت، می توانست عکس را رنگ کند.

### عکس های قاجاری در موزه

آلبوم «خطرات سفر به ایران» مونتایونه مجموعه ای بی نظیر از عکس هایی است که این عکاس ایتالیایی ثبت کرده است؛ عکس هایی از تخت مرمر، سربازان گارد شاه در نیابوران، تخریب و امازاده صالح (ع)، کاخ سلطنتی و بسیاری از دروازه ها و عمارت های قدیمی تهران. او عکس هایی را که از آدمها و مناظر ایران می گرفت رنگ می کرد. عکس ها با دقت و با دست رنگ می شدند که جلوه خاصی به عکس می داد؛ روشی که بعد از او آقازاده عکاسی باشی دنبال کرد. مونتایونه عکس ها را با آبرنگ از روی نمونه های واقعی رنگ آمیزی می کرد. هر چند عکس های زیادی از تصویرهای رنگی او در دست نیست، با این حال او را می توان پیشگام عکس های رنگی در ایران نامید. شهرت این عکاس ایتالیایی به واسطه آلبوم سفر به ایران است. آلبوم سفر او به ایران دربرگیرنده بیش از ۷۰ قطعه عکس است که با اندک تفاوتی در عکس ها ۲ نسخه به چاپ رسید. ۲ نسخه از آن در گنجینه کاخ گلستان است که ۶۲ قطعه عکس دارد و یک آلبوم که در موزه مارچیانای شهر ونیز نگهداری می شود. به جز عکس های مونتایونه، امروزه در موزه های مختلف عکس های بی شماری از عکاسان قاجاری وجود دارد که یک نسخه از آن رنگی و نسخه دیگر سیاه و سفید است؛ عکس هایی که بعضا به نقاشی شبیه تر است تا عکس و در آرشیو نیشنل جنوگرافی و سایت موزه مونتاتینا نگهداری می شوند.



## میدانی که در آن لاله روید



تاریخ میدان شهیدا، جمع اعداد است؛ از سویی قصه شکار و خوش گذرانی های شاهان قاجار را به یاد ما می آورد و از طرفی خاطره جان فشانی مردم انقلابی در ۱۷ شهریور سال ۱۳۵۷ که البته هر دو، خبر از بیدار شدن شاهان بر این سرزمین هم می دهند. حالا در میدان شهیدا یا لاله سابق چرخ می زنی و قصه آن را با هم مرور می کنیم.

### تاریخ

یکی از دلایل توجه شاهان صفوی به روستای گمنام تهران، کوهها و تپه های همراه با جانوران متنوعش بود که آنجا را برای شکار مناسب می کرد. در سفرنامه های ناصرالدین شاه قاجار هم خاطرات فراوانی از شکار در تپهها و دشت های تهران و اطرافش می خوانیم؛ یکی از آن تخریب گاه های فرخیش، روستایی جسیبیده به تهران آن روزگار بود؛ روستایی به نام دوشان تپه! این منطقه خرگوش های فراوانی داشت و به همین دلیل نام دوشان را که به ترکی، خرگوش است، بر این روستا قرار دادند. او و درباریان، بسیار به دوشان تپه می آمدند و در آنجا اتراق می کردند و به شکار می پرداختند. علاقه شاه به آنجا به قدری بود که در آن، عمارتی به نام فرح آباد ساختند تا شاه در آنجا ساکن شود؛ کاخی که البته برخی مورخان زمان ساخت آن را به دوران مظفرالدین شاه نسبت می دهند. همین رفت و آمدها به دوشان تپه رونق بخشید تا جایی که در دوره گسترش تهران، دروازه دوشان تپه را هم ساختند که یکی از دروازه های ۱۲ گانه تهران به حساب می آمد. آن دروازه، درست جایی ساخته شد که حالا از آن میدان باشکوهی به نام میدان شهیدا سر بلند کرد!

### نقطه عطف

پس از تصویب قانون بلدیة در سال ۱۳۰۹ و در دوره پهلوی اول، دروازه دوشان تپه خراب و این میدان متولد شد. این میدان چندان نام و نشانی نداشت تا ۱۷ شهریور سال ۱۳۵۷ که حادثه ای آن را به نقطه عطفی در تاریخ پیروزی انقلاب اسلامی بدل کرد؛ حادثه ای که نامش را از میدان لاله به شهید تبدیل کرد. مردم تهران از تابستان سال ۵۷ و به دنبال آتش سوزی در سینما رگس آبادان، خونشان به جوش آمده بود. در روز ۱۷ شهریور همان سال که به جمعه سیه نیز معروف شد و در پی اعلام حکومت نظامی از سوی دولت شریفامامی، مردم از خشم اتفاق های روزهای قبل که در تهران و دیگر شهرهای ایران رخ داده بود، در صبح هفدهم شهریور به میدان لاله سرازیر شدند و حکومت ستم شاهی، با فرمان شلیک مستقیم، گروهی از زنان و مردان مبارز را به خاک و خون کشید و کاری کرد که از خاک این میدان به خون آغشته شده، لاله بر وی برد و نامش را تا بد جاودان کند.

### امروز میدان

این روزها علاوه بر آن خاطره، میدان شهیدا به یکی از شاهراه های مهم شرق تهران بدل شده و مسیرهای میدان هایی مثل خراسان، امام حسین (ع)، بهارستان و خیابان پیروزی را به هم وصل می کند. وجود ایستگاه مترو هم رفت و آمد را به این میدان سهل تر کرده است.

## آگهی فروش واحد های مسکونی

این تعاونی در نظر دارد نسبت به فروش واحدهای مسکونی خود واقع در طبقه ۳۰ برج نارنج ۸، به بالاترین قیمت پیشنهادی اقدام نماید. از خریداران حقیقی و حقوقی دعوت می گردد طی یک هفته کاری از تاریخ نشر آگهی جهت دریافت اسناد و مدارک مزایده به آدرس تهران، انتهای همت غرب، بلوار پژوهش، ورودی پروژه مرجان، تعاونی مسکن نزاجا مراجعه نمایند. ضمناً شماره تلفن ۹۱۲۲۴۶۱۲۴۵ مدیر بازرگانی (مهندس رشیدی) جهت هماهنگی معرفی می گردد.

هیئت مدیره تعاونی مسکن سپهر  
اداره مهندسی

## بشارک



## کریس حریص

از کتابفروشی های معتبر  
و کیوسک های مطبوعاتی بخواهید



## همشهری



شماره جدید تقویم یک روزه را بشوید

www.hamshahrimarket.com خرید اینترنتی



# همیشه برای شما

یکشنبه ۲۱ بهمن ۱۴۰۳ | ۱۴۴۶ شعبان | سال سی و سوم | شماره ۹۳۲۶



# دست در سون

پرسپولیس در یک روز خیلی سخت باتک ضربه فرصت طلبانه مهاجم ترکیه‌ای اش به یک برد مهم دست یافت

عکس: سوسوداگیری - مهدی افشاری

## تستر یک

### امیر محمد یعقوب پور

روزنامه‌نگار

# ... و بالاخره برد

پرونده بازی‌های هفته نوزدهم، عصر دیروز با برگزاری ۲ بازی بسته شد. در نخستین بازی هوادار بالاخره موفق شد نخستین برد خانگی‌اش در این فصل را جشن بگیرد و امیدهایش برای بقا را زنده نگه دارد. در روزی که روانخواه نخستین برد لیگ برتری‌اش را با هوادار به دست آورد، تیم شانزدهم جدول موفق شد با نتیجه ۲ بر یک، آلومینیوم را شکست دهد. این بازی تا دقیقه ۹۰ با گل به خودی آلومینیوم‌ها و با نتیجه یک بر صفر به سود هوادار دنبال می‌شد اما وقت‌های اضافه شرایط متفاوتی داشت. آلومینیوم دقیقه ۹۰+۲ با گل شروین بزرگ به بازی برگشت اما این مجتبی حدقوست بود که با گل دقیقه ۹۰+۵، بار دیگر شادی را به اردوی هوادار آورد و مقدمات پیروزی تیمش را فراهم کرد. با برد دیروز هوادار، حالا نساجی تنها تیمی است که در این فصل هنوز در خانه پیروز نشده است. در حال حاضر هوادار با ۱۲ امتیاز تیم شانزدهم جدول است و نساجی با ۱۶ امتیاز بالای سر این تیم قرار دارد. شمس آذر و مس رفسنجان هم تیم‌های چهاردهم و سیزدهم و تیم‌های ۲۰ امتیازی جدول هستند. پس از مشخص شدن معادلات پایین جدول در روز پایانی هفته نوزدهم، نوبت به پرسپولیس رسید تا به مصاف گل‌گهر برود و این بار معادلات بالای جدول را مشخص کند. پرسپولیس‌ها که با کارنال یک تساوی لیگی و یک شکست آسیایی در کارنامه داشتند، روز گذشته با نتیجه یک بر صفر از سد گل‌گهر گذشتند تا این مریی رنگ برد را هم با تیم جدیدش دیده باشد.

**جابه جایی عجیب**  
از ترکیب اولیه پرسپولیس شروع کنیم که تا حدودی نشان می‌دهد کارنال هنوز به شناخت کاملی از نفراتش نرسیده و در حال تست‌زدن برخی از بازیکنان در پست‌های جدید است. او روز گذشته تصمیم گرفت فرشاد احمدزاده را به دفاع راست برود و از میلاد محمدی به عنوان وینگر راست استفاده کند. این آزمون و خطای کارنال به هیچ عنوان موفقیت‌آمیز نبود و باعث شد گل‌گهر از سمت راست حسابی پرسپولیس را آذیت کند. البته کارنال خیلی زود متوجه اشتباهش شد و دقیقه ۲۷ با عقب بردن میلاد محمدی، شرایط را تغییر داد. یکی دیگر از تغییرات کلیدی کارنال در این بازی در خط دفاع رخ داد؛ جایی که گولسبانی پس از نیمکت‌نشینی یک‌نیمه‌ای مقابل الهلال، به ترکیب اصلی پرسپولیس برگشت تا در کنار کنعانی‌زادگان، زوج خط دفاعی قرمزها را تشکیل دهد. در خط میانی هم با بازی دادن به سعید مهری، نشان داد شاید کارنال هم قرار است راه ساینیتو را در مورد این بازیکن در پیش بگیرد. به هر حال، مهری در استقلال مهره فیکس ساینیتو بود و همراه این مریی به لیگ قهرمان‌ها هم رفت.

**نیمه‌های متفاوت**  
گل‌گهر که با رکورد ۸ هفته شکست‌ناپذیری و کسب ۴ برد در ۵ بازی اخیر، گام به دیدار دیروز گذاشته بود، شروع بهتری داشت و حتی می‌توان گفت در نیمه اول اجازه نداد پرسپولیس برنامه‌هایش را در زمین پیاده کند. شاگردان تارتار در این نیمه موقعیت‌های خوبی داشتند که از آنها استفاده نکردند. کارنال که در نیمه دوم بازی با الهلال، با تعویض هایش ریتم بازی پرسپولیس را عوض کرده بود، نیمه دوم بازی با گل‌گهر را هم با تغییر آغاز کرد و توانست تا حد زیادی حمله‌های گل‌گهر را کنترل کند. گل‌گهر در این نیمه روی یک ضربه ضربه صاحب یک موقعیت تک‌تک شد که گندوز با نجات‌دادن دروازه، پرسپولیس را در زمین مسابقه نگه داشت. هواداران پرسپولیس حالا با نگرانی نیمه‌های اول را دنبال می‌کنند اما خیال‌شان راحت است که در نیمه مریبان بازی خوانی کارنال به کمک‌شان می‌آید. آشنایی بیشتر کارنال با شرایط پرسپولیس شاید شرایط نیمه‌های اول را هم تغییر دهد.

**ناجی سرخ پوش**  
تفاوت‌های این بازی را مهاجمی رقم زد که کارنال اصرار زیادی به جذب او داشت و در مصاف با الهلال پس از تنها چند جلسه تمرین به مهره فیکس سرخ‌ها تبدیل شد. سردار دورسون، تک گل پرسپولیس‌ها در این بازی را به ثمر رساند و هواداران را به داشتن یک مهاجم تمام‌عیار امیدوار کرد. دورسون شاید در سال‌های اخیر کارنامه خوبی نداشته اما با گلی که دقیقه ۷۳ به ثمر رساند، نشان داد چارچوب را خوب بلد است و مثل مهاجمان این روزهای فوتبال ایران، لازم نیست پس از کلی فکر کردن به توپ ضربه بزند. با این گل سردار، پرسپولیس ۳۷ امتیازی شد و جایگاه سوم را از فولاد پس گرفت. در حال حاضر تراکتور با ۴۱ امتیاز صدرنشین است و سپاهان با ۴۰ امتیاز این تیم را تعقیب می‌کند. فولاد هم با ۳۵ امتیاز پشت‌سر پرسپولیس ایستاده است.

پخش زنده
<p>۸:۰۰ سری آ ایتالیا</p>
<p>۱۵:۰۰ ونتر یا آسرم</p>
<p>۲۳:۱۵ ناپولی اودیزه</p>
<p>۱۶:۰۰ بلکبرن ولوز</p>
<p>۱۸:۳۰ پلیموث لیور پول</p>
<p>۲۱:۰۵ استون ویلا تاتهام</p>
<p>۱۸:۴۵ والنسیا لگانس</p>
<p>۲۱:۰۰ رنالد سوسیداد اسپانیول</p>
<p>۲۳:۳۰ سوپا بار سلونا</p>
<p>۱۹:۱۵ هیرنفیت توننته</p>
<p>۲۰:۰۰ لایپز بیش سن پائولی</p>
<p>۲۰:۰۰ بوئین لیگا آلمان</p>
<p>۲۰:۰۰ لایپز بیش سن پائولی</p>
<p>۲۳:۱۵ اینتر فیورنتینا</p>
<p>۲۳:۳۰ لایگا اسپانیا</p>
<p>۲۳:۳۰ مایورکا اوساسونا</p>

اتفاق روز

















# همیشه با ما



## روایتی متفاوت از حضور مردم در جشن انقلاب طی ۴۵ سال گذشته که روزهای پر فراز و نشیبی را طی کرده است

**گزارش گروه جامعه**

چهل و شش سال از ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ می گذرد و مردم ایران در تمام این سال‌ها پای قرار خود مانده‌اند.

۲۲ بهمن، فقط یک جشن سیاسی و ملی معمولی نیست بلکه هر سال بسته به شرایط داخلی و خارجی متفاوت از سال‌های دیگر است. چه در ابتدای انقلاب که منافقان دست به تهورهای کور دلانه می‌زد، چه در زمان جنگ که صدام شهرهای ایران را بمباران می‌کرد، چه در دهه ۸۰ که آمریکا به افغانستان و عراق در همسایگی

ما حمله کرد تا راهپیمایی ماشینی در زمان کرونا، این مردم بودند که پای وعده خود ایستادند، فارغ از همه نقدها، گلايه‌ها و دلخوری‌های ریز و درشتی که از شرایط اقتصادی و... داشته و دارند. امسال نیز ۲۲ بهمن با توجه به اتفاقات منطقه از شهادت رئیس‌جمهور و یارانش در ابتدای امسال تا

شهادت اسماعیل هنیه و سید حسن نصرالله و سپس یحیی سننوار و انجام ۲ عملیات وعده صادق، حال و هوای متفاوتی دارد. راهپیمایی‌ای که تکلیف ایران را با کسانی که قصد دست‌درازی به این خاک را دارند روشن می‌کند و نشان می‌دهد که مردم چقدر پای خاک و کشورشان هستند.



**انقلاب اسلامی و مباحث باز تولید آن**

کتاب «انقلاب اسلامی و مباحث باز تولید آن» نوشته عماد افروغ، در قالب ۱۳ گفتار به موضوع انقلاب اسلامی و مباحث آن می‌پردازد. مولف در ابتدا به آسیب‌شناسی و ضرورت، ارکان و مباحث نقد جمهوری اسلامی به‌منظور بازتولید انقلاب اسلامی پرداخته است. مباحث بعدی به موضوعاتی مانند مردم‌سالاری دینی و آزادی و دموکراسی (مردم‌سالاری) معطوف است.

### داستان آخرین برف‌های ۱۴۰۳

تهرانی‌ها با حسرت و آه یک نگاه به عکس‌ها و فیلم‌های بارش برف در ۹ استان کشور می‌اندازند و یک نگاه به هواشناسی و آسمان بی‌ابر که نشان می‌دهد آنها سهمی از این سامانه پر قدرت بارشی نداشته‌اند. به قول شهروندی در فضای مجازی، «ما که بخیل نیستیم؛ اربیل، تبریز، ارومیه، چهارمحال و بختیاری، همدان و... هم برف بیارد، جای شکر دارد. اصلاً همین که صبح‌ها سرمان را بالا می‌آوریم و می‌بینیم کوه‌های شمال تهران رخت سفید بر تن کرده، ما را بس!» بارش برف با وجود سوز سرما مایش که در اربیل به منفی ۱۸ درجه رسیده، در این سال‌های خشک، یک نعمت است. نعمتی که غیر از کشاورز و دامدار، همه دعا می‌کنند باز تکرار شود تا تابستان بی‌آبی نداشته باشیم. البته برخی در این میان، هشدارها، اخبارهای هواشناسی و پلیس راه را در باره وضعیت بد جاده‌ها نادیده گرفتند و زدند به دل جاده و در کوران برف گیر افتادند. اینفوگرافیک زیر، روایت هلال احمر از در راه‌اندگان جاده جمعه عصر و شنبه صبح است:

- ۱۹ استان** متاثر از برف
- ۷۵۲۵ نفر** در برف گیر افتادند
- ۱۴۵** منطقه عملیاتی هلال احمر
- ۸۷۵ نفر** اسکان اضطراری داده شدند
- ۲۲۳ نفر** به منطقه امن منتقل شدند
- ۶۹۵ نفر** اقلام غذایی دریافت کردند
- ۱۷۲ تیم عملیاتی** در جاده‌ها حضور داشتند
- ۵۴۳ ناجاگر** امداد رسانی کردند



**انقلاب اسلامی ایران و افتتاح تاریخ**

کتاب «انقلاب اسلامی ایران و افتتاح تاریخ» با عنوان فرعی «بیداری اسلامی در بهار عربی، به قلم حسین کجویسان، ماهیتی نظری دارد که با رویکرد تاریخی دنبال می‌شود. مولف در این کتاب سعی کرده با نگاهی جامع شناختی و با تذکر به اقتضات و امکان‌های تاریخی، انقلاب‌های اخیر منطقه مهم‌تر از آن بیوند آنها با انقلاب اسلامی را مورد کنکاش قرار دهد.

### فضای مجازی

### لیبک شیخ حسین به یک کودک

یک ویدئو از شیخ حسین انصاریان، خطیب و واعظ محبوب تهرانی‌ها در فضای مجازی منتشر و وایرال شده که در آن شیخ حسین داستان دعوت یک کودک از او برای منبر رفتن در مسجد محله‌ش در میدان قزوین را نقل می‌کند. شیخ حسین در حالی که این کودک و برادرش کنار او ایستاده‌اند، می‌گوید: در ایام شهادت حضرت زهرا (س) در حسینیه مرحوم آقای علوی بروجردی منبر می‌رفتم که حسین آقا همراه پدر بزرگشان هر شب به این مراسم می‌آمدند. یک شب یک تکه کاغذ به من داد که در آن نوشته بود به مسجد ما هم بیایید و به منبر بروید. گفتم مسجدتان کجاست؟ گفت میدان قزوین. گفتم چشم اگر خدا فرست داد، حتماً می‌آیم و امشب آمدم و در این ۶۰ سال منبرم، ایشان کم‌سرن‌ترین مخاطب من بودند. این برخورد پدراشه شیخ حسین انصاریان ۸۰ ساله که هزاران مأمیری دارد و شخصیت‌های سیاسی در مجالس او شرکت می‌کنند، جالب و قابل توجه بود. به ویژه که منبر او در مسجد مظهری بسیار ساده و بی‌تکلف برگزار شد.

### آموزش

### مبارزه با فقر یادگیری

تعطیلی‌های پیاپی از یک طرف و کاهش کیفیت آموزش در اغلب مدارس به‌ویژه دولتی‌ها باعث فقر آموزشی دانش‌آموزان به‌خصوص در مقطع ابتدایی شده است؛ فقری که حالت اول آن این است که دانش‌آموز در خواندن و نوشتن دچار مشکل است اما در سال‌های تحصیلی بعد، به کاهش یادگیری و ترک تحصیل ختم می‌شود. حالا معاون آموزش ابتدایی وزارت آموزش و پرورش اعلام کرده که به دنبال این است که از دهک‌های پایین جامعه برای جبران فقر یادگیری حمایت کند. رضوان حکیم‌زاده گفت: آمار پایش یادگیری در سراسر کشور نشان می‌دهد که تعداد زیادی از دانش‌آموزان در دوره ابتدایی نیازمند تلاش بیشتر در درس پایه هستند. بنابراین با شناسایی دانش‌آموزان نیازمند حمایت آموزشی توسط مدیران مدارس به‌عنوان رهبان جریان آموزشی، برگزاری کلاس‌های جبرانی ویژه برای این دانش‌آموزان، شروع مداخلات آموزشی از بهمن‌ماه، بلافاصله پس از نوبت اول، بدون انتظار برای پایان سال تحصیلی و با استفاده از ظرفیت شورای مدرسه برای نظارت و اجرای مؤثر برنامه، می‌توان در این طرح قدم برداشت.



**حزب‌الله**

کتاب «حزب‌الله» اثری چندجلدی و مجموعه‌ای از سخنرانی‌ها و نوشته‌های شمس‌الاحمد با موضوع انقلاب اسلامی است. کتاب حاضر، مشتمل بر ۲۶ مقاله و متن سخنرانی از «شمس‌الاحمد» پیرامون جلوه‌های متعدد انقلاب اسلامی، تاریخ انقلاب و انقلاب فرهنگی است که در ۲ مجلد با عنوان «آزادی و استقلال» و «۱۱ ماه بعد در تاریخ ۱۳۹۸» به شهادت رسیدند.

### سال کرونا

مراسم ۲۲ بهمن این سال مانند سال‌های قبل نبوده، کرونا موجب شد تا این مراسم به‌صورت نمادین به شکل خودرویی و موتوری برگزار شود. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در رابطه با این راهپیمایی فرمودند: «صافاً ملت ایران خسته نشدند... در این بیست و دوم بهمن با این شرایط کرونایی، با ابتکار جدید که چطور وارد میدان شدند و با شور و شوق نگذاشتند بیست و دوم بهمن تعطیل بشود و در قضایای گوناگون دیگر دیده‌اید.»



**مقابله با هتاکان**

اواخر دی‌ماه بود که نشریه فرانسوی «شارلی ابدو» به ساحت قدسی پیامبر مهر و این مهربانی (ص) توهین کرد و این اهانت در ۲۲ بهمن با پاسخ کوبنده مردم انقلابی و مسلمان همراه شد. بسیاری در میان شعارهای هم‌استا با جشن پیروزی انقلاب، یاد پیامبر اسلام رازنده نگه داشتند و اقدام این نشریه فرانسوی را محکوم کردند.



۱۳۹۹

۱۳۹۷



۱۳۹۳

۱۳۸۳

۱۳۶۰

**راهپیمایی در برف و باران**

در تمام ۲۲ بهمن‌های ۴۶ سال گذشته، بسیاری از راهپیمایی‌ها با برف و باران هم‌زمان شد اما مردم از حضور دست نکشیدند. یکی از این سال‌های برفی مربوط به سال ۱۳۸۳ است که خبرگزاری فرانسه در مورد این مراسم نوشته بود: «هزاران ایرانی به‌رغم سرمای شدید و برف در میدان آزادی تهران جمع شدند و به‌شدت از سیاست‌های آمریکا انتقاد کردند.»



**پیام صریح امام<sup>۹۰</sup>**

دومین سالگرد پیروزی انقلاب در سراسر کشور با حضور میلیونی مردم انقلابی در راهپیمایی ۲۲ بهمن جشن گرفته شد. در این روز بنیانگذار انقلاب با ارسال پیامی که از سوی سیداحمد خمینی قرائت شد نسبت به دسیسه‌های شرق و غرب در سالگرد انقلاب به مردم ایران هشدار داده بودند.









## آلبومی از خاطرات

در پشت بام وسیع ساختمان که لابلای به اندازه یک طبقه از بل عابر پیاده وسط خیابان بلندتر است، دور نمایی از مسیر حرکت امام در روز ۱۲ بهمن ۵۷ سالمانند تابلویی خاطر انگیز خود نمایی می کند. در میان ساکنان ساختمان، شمار کسانی که عمرشان به اتفاقات بهمن ۵۷ قدسدهد، انگشت شمار است و اغلب کسانی که به عنوان وکیل، پزشک یا کارمند در اتاق های مختلف مجتمع مشغول کارند روز نقش آفرینی این ساختمان را به چشم ندیده اند، اما خوب می دانند در آجر به آجر اجتماعی که محل کار آنها است رد پای تاریخ جا خوش کرده است...

در میان ساکنان ساختمان، شمار کسانی که عمرشان به اتفاقات بهمن ۵۷ قدسدهد، انگشت شمار است و اغلب کسانی که به عنوان وکیل، پزشک یا کارمند در اتاق های مختلف مجتمع مشغول کارند روز نقش آفرینی این ساختمان را به چشم ندیده اند

### تماشای گزارش

## یک مجتمع اداری خدماتی



# روایت آزادی

دیدار از ساختمان ۱۱۰ آزادی که جزئی از وقایع بهمن ۵۷ است

رویدادی که در ۱۲ بهمن ۴۶ سال پیش رقم خورد و صدها نفر از مردم پایتخت از نخستین ساعات روز در طبقات ساختمان نیمه کاره و اسکلت بندی شده خیابان آزادی چشم انتظار عبور اتومبیل حامل امام بودند. این ساختمان نیمه کاره پس از تکمیل و نقش بستن عنوان «۱۱۰ آزادی» بر پیشانی آن، به مجتمعی اداری تبدیل شده، اما نه گرد پیروی و سالخوردگی که بر سر و رویش نشست و نه هیبت سر به مهر و خاموشی، تصویر نوستالژیک آن را در حافظه تاریخی مردم تهران کمرنگ کرده است.

مانند سالمندی موقر در میانه خیابان آزادی جا خوش کرده؛ در تقاطع این خیابان عرض و طویل با خیابان شادمهر بدون هیچ رد و نشانی از خاطرات و گذشته اش؛ بی هیچ اثر و علامتی چشمگیر و ویژه ای از روزی که جمعیتی عظیم روی شانه های او نظاره گر یکی از مهم ترین رویدادهای تاریخ کشورشان بودند.

زنگی  
روزنامه نگار  
رابعه تیموری



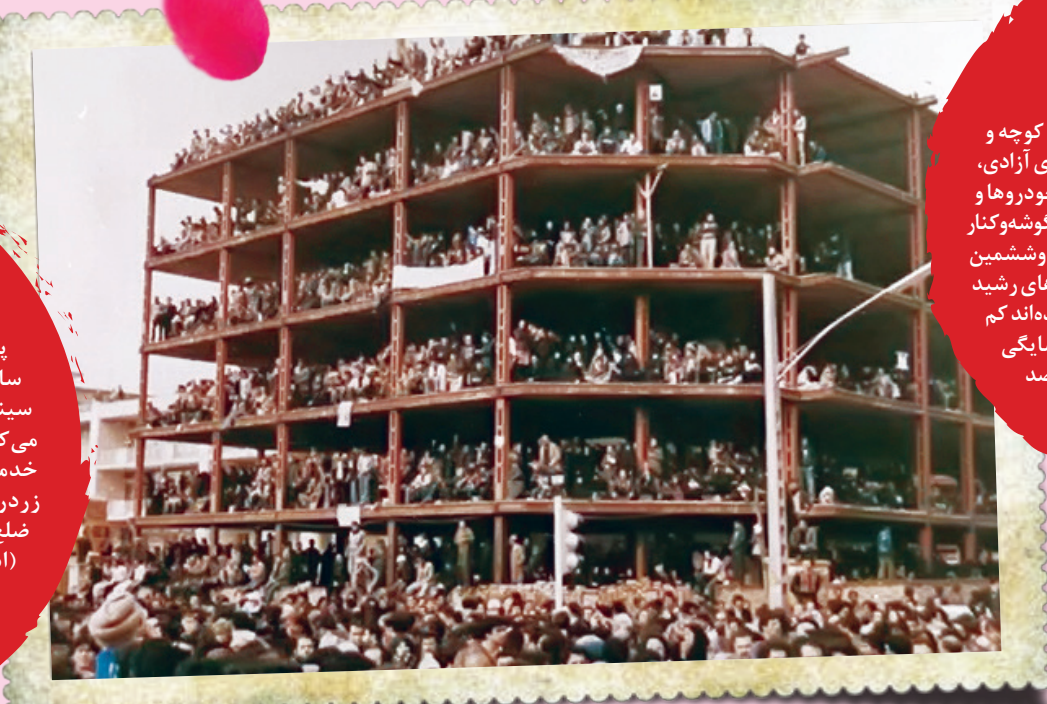
### یک سر و گردن بلندتر

ساعت ها پیش از پهن شدن آفتاب نیمروز در کوچه و خیابان های پایتخت در خیابان پاکباز و برپروبیای آزادی، روز آغاز شده و هر لحظه بر هیاهو و حرکت پر شتاب خودروها و موتورسیکلت ها اضافه می شود. پرچم ها و بنر هایی که در گوشه و کنار لاین های سواره رو نصب شده اند، رسیدن چهل و ششمین سالگرد انقلاب را خبر می دهند. شمار ساختمان های رسیدن جند طبقه که در راسته شمالی خیابان ردیف شده اند کم نیست، اما بناهای مسکونی و تجاری ای که در همسایگی ساختمان ۱۱۰ قدسده اند انگار موقع پاک رفتن قصد شانه به شانه شدن با این مجتمع بلندبالای چهار طبقه را نداشته اند.

نگهبان خوش روی سپیدموی مجتمع در داخل اتاقکش آماده راهنمایی مراجعان است و داروخانه ای که در طبقه همکف قرار گرفته وسیع ترین واحد مجتمع به شمار می آید. راهروی نیمه تاریک طبقه همکف به حیاطی باز یک و ایوانی نه چندان مرتفع راه دارد که کولر های گازی طبقات مختلف روی دیوار تگری پوش آن ردیف شده اند. در انتهای حیاط دفتر اسناد رسمی و مطب یکی از پزشکان مجتمع قرار گرفته که با بلکاتی پارک به طبقات مجتمع راه دارند. دور تما دور هر یک از پارک های تنگ و تار نسک مجتمع چند دفتر اداری به چشم می خورد که تابلوهای کوچک نصب شده در کنار آنها نشان می دهد که پشت در های بسته آنها چه می گذرد: «مطب متخصصی...»، «مشاوره حقوقی...»، عبارت «این ساختمان مجهز به دوربین مدار بسته است» که در همه طبقات نصب شده گواهی می دهد که نگهبان ساختمان چندان هم دست تنها نیست.

### تلفیقی از گذشته و حال

پیش از آنکه پرده کرکره های پشت پنجره های ساده ساختمان اداری بودن آن را نشان دهد، تابلوهایی که به سینه نمای آجری مجتمع کوبیده شده، کارکردش را روایت می کند: «دفتر اسناد رسمی ۹۲ تهران...»، «داروخانه»، «دفتر خدمات پیشخوان دولت». روی تعدادی از آجرهای قزاقی زرد رنگ و دردی مجتمع طرح چهره امام ترسیم شده و در ضلع غربی مجتمع، تصویر گلباران شده کامران نجات الهی (استاد شهید دانشگاه پلی تکنیک تهران) در کنار امام و رهبر انقلاب با پس زمینه پرچم کشور نقش بسته است. وقتی وارد ساختمان می شوید، با دیدن در و دیوار آن، گذر ایام را به خوبی احساس می کنید.



### آگهی مناقصه شماره ۹۳-۸۸-۱۴۰۳

شهرداری منطقه ۶ تهران در نظر دارد موارد مندرج در جدول زیر را از طریق برگزاری تشریفات مناقصه عمومی به متقاضیان واجد شرایط واگذار نماید. لذا جهت بدیهی است شرکت در مناقصه و ارائه پیشنهاد به منزله قبول شروط و تکالیف مقرر در اسناد مناقصه بوده و شهرداری در رد یک با تمام پیشنهاد ها مختار است و هزینه آگهی به عهده برندگان مناقصه می باشد. ضمنا هیچگونه پیش پرداختی پیش نگر دیده است. اسناد مناقصه از طریق تالار آگهی معاملات شهرداری تهران به نشانی [business.tehran.ir](http://business.tehran.ir) قابل رویت می باشد.

(ب) محل دریافت اسناد و قبول پیشنهادات: محل دریافت، اداره قراردادهای شهرداری منطقه ۶ تهران واقع در خیابان سیدجمال الدین اسدآبادی، میدان سیدجمال الدین اسدآبادی ساختمان شماره یک، طبقه سوم و محل تحویل دبیرخانه مرکزی شهرداری منطقه ۶ تهران واقع در خیابان سیدجمال الدین اسدآبادی، میدان سیدجمال الدین اسدآبادی ساختمان شماره دو، طبقه ی همکف می باشد.

ردیف	موضوع	مبلغ پایه مناقصه (ریال)	میزان سپرده (ریال)	مدت	شرایط متقاضی
۱	عملیات مرمت و بازسازی اسکلهای کارگری در سطح منطقه شش (تجدید آگهی شماره ۸۷-۸۶-۱۴۰۲ مورخ ۱۴/۳/۱۱۰۱)	۴۵/۰۹۱/۰۹۲/۶۹۹	۲/۲۶۰/۰۰۰/۰۰۰	۶ ماه	دارا بودن رتبه تعیین توان فنی و تشخیص صلاحیت معتبر در رشته آب با رتبه مرتبط با بر آورد، دارای ظرفیت ریلی و سقف مجاز انجام کار از سازمان برنامه و بودجه کشور در روز برگزاری مناقصه
۲	اجرای عملیات احیا، نوکنی، بازسازی و لایروبی زهکش خیابان جهان آرا، خیابان علی مصری و بزرگراه و تونل رسالت در محدوده منطقه شش	۱۵۰/۴۵۷/۳۱۷/۷۳۱	۷/۵۳۰/۰۰۰/۰۰۰	۱۲ ماه	دارا بودن رتبه تعیین توان فنی و تشخیص صلاحیت معتبر با حداقل رتبه ۴ در رشته آب، دارای ظرفیت ریلی و سقف مجاز انجام کار از سازمان برنامه و بودجه کشور در روز برگزاری مناقصه
۳	اجرای عملیات احیا، نوکنی، بازسازی و لایروبی قنوات در محدوده منطقه شش (قنات بهجت آباد، یوسف آباد سرشاخه خیابان رز)	۸۳/۳۳۹/۶۱۱/۳۰۱	۴/۱۷۰/۰۰۰/۰۰۰	۱۲ ماه	دارا بودن رتبه تعیین توان فنی و تشخیص صلاحیت معتبر در رشته آب با رتبه مرتبط با بر آورد، دارای ظرفیت ریلی و سقف مجاز انجام کار از سازمان برنامه و بودجه کشور در روز برگزاری مناقصه
۴	عملیات رنگ آمیزی، پاکسازی و شستشوی نماها، سطوح و میلپان شهری در معابر اصلی و میادین محدود ناحیه ۱ و ۲	۶۰/۰۴۷/۰۰۰/۰۰۰	۳/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۸ ماه	دارا بودن رتبه تعیین توان فنی و تشخیص صلاحیت معتبر در رشته آینه از سازمان برنامه و بودجه کشور یا رشته رنگ آمیزی از اداره کل برنامه ریزی و سرمایه انسانی معاونت خدمات شهری و محیط زیست شهرداری تهران یا رتبه مرتبط با مبلغ پیمان و دارای ظرفیت ریلی و سقف مجاز انجام کار در روز برگزاری مناقصه
۵	عملیات رنگ آمیزی، پاکسازی و شستشوی نماها، سطوح و میلپان شهری در معابر اصلی و میادین محدود ناحیه ۵ و ۳	۶۴/۱۷۲۸/۰۰۰/۰۰۰	۳/۲۴۰/۰۰۰/۰۰۰	۸ ماه	دارا بودن رتبه تعیین توان فنی و تشخیص صلاحیت معتبر در رشته آب با رتبه مرتبط با بر آورد، دارای ظرفیت ریلی و سقف مجاز انجام کار از سازمان برنامه و بودجه کشور در روز برگزاری مناقصه
۶	عملیات رنگ آمیزی، پاکسازی و شستشوی نماها، سطوح و میلپان شهری در معابر اصلی و میادین محدود ناحیه ۲ و ۴	۶۸/۱۰۷/۰۰۰/۰۰۰	۳/۴۱۰/۰۰۰/۰۰۰	۸ ماه	دارا بودن رتبه تعیین توان فنی و تشخیص صلاحیت معتبر در رشته آینه از سازمان برنامه و بودجه کشور یا رشته رنگ آمیزی از اداره کل برنامه ریزی و سرمایه انسانی معاونت خدمات شهری و محیط زیست شهرداری تهران یا رتبه مرتبط با مبلغ پیمان و دارای ظرفیت ریلی و سقف مجاز انجام کار در روز برگزاری مناقصه

### آگهی مناقصه شماره ۹۴-۱۰۱-۱۴۰۳

شهرداری منطقه ۶ تهران در نظر دارد موارد مندرج در جدول زیر را از طریق برگزاری تشریفات مناقصه عمومی به متقاضیان واجد شرایط واگذار نماید. لذا جهت بدیهی است شرکت در مناقصه و ارائه پیشنهاد به منزله قبول شروط و تکالیف مقرر در اسناد مناقصه بوده و شهرداری در رد یک با تمام پیشنهاد ها مختار است و هزینه آگهی به عهده برندگان مناقصه می باشد. ضمنا هیچگونه پیش پرداختی پیش نگر دیده است. اسناد مناقصه از طریق تالار آگهی معاملات شهرداری تهران به نشانی [business.tehran.ir](http://business.tehran.ir) قابل رویت می باشد.

تمامی متقاضیان شرکت در مناقصه موظفند در هنگام تحویل پاکت ها به دبیرخانه، نسبت به ارائه شناسنامه ملی برای اشخاص حقوقی و کد ملی و تاریخ تولد برای اشخاص حقیقی اقدام در خیابان سیدجمال الدین اسدآبادی، میدان سیدجمال الدین اسدآبادی ساختمان شماره دو، طبقه ی همکف می باشد.

ردیف	موضوع	مبلغ پایه مناقصه (ریال)	میزان سپرده (ریال)	مدت	شرایط متقاضی
۱	عملیات رینگ کردن مخازن ۶۴م اسد آبادی، نظامی گنجوی و ساعی در محدوده منطقه شش	۴۳.۴۸۸.۵۵۵.۹۴۷	۲.۱۷۵.۰۰۰.۰۰۰	۱۲ ماه	دارا بودن رتبه تعیین توان فنی و تشخیص صلاحیت معتبر در رشته آب با رتبه مرتبط با بر آورد، دارای ظرفیت ریلی و سقف مجاز انجام کار از سازمان برنامه و بودجه کشور در روز برگزاری مناقصه
۲	عملیات تجهیز مخزن بهجت آباد و توسعه شبکه آبرسانی در خیابانهای قاطمی، حجاب، بهجت آباد و قرنی	۲۰۹.۰۰۰.۱۴۱.۵۵۵	۱۰.۴۵۱.۰۰۰.۰۰۰	۱۲ ماه	دارا بودن رتبه تعیین توان فنی و تشخیص صلاحیت معتبر در رشته آب با رتبه مرتبط با بر آورد، دارای ظرفیت ریلی و سقف مجاز انجام کار از سازمان برنامه و بودجه کشور در روز برگزاری مناقصه
۳	عملیات تجهیز مخازن شهدای دانشجو، والفجر و آزادگان و اجرای خط انتقال به مخزن آفریقا جهت توزیع پساب	۷۵.۸۲۵.۴۰۳.۶۳۳	۳.۸۰۰.۰۰۰.۰۰۰	۱۲ ماه	دارا بودن رتبه تعیین توان فنی و تشخیص صلاحیت معتبر در رشته آب با رتبه مرتبط با بر آورد، دارای ظرفیت ریلی و سقف مجاز انجام کار از سازمان برنامه و بودجه کشور در روز برگزاری مناقصه
۴	عملیات تجهیز مخزن مدرس بهمهرا خطوط انتقال و شبکه های زیر مجموعه	۱۵۷.۸۴۱.۲۵۶.۵۰۳	۷.۹۰۰.۰۰۰.۰۰۰	۱۲ ماه	دارا بودن رتبه تعیین توان فنی و تشخیص صلاحیت معتبر در رشته آب با رتبه مرتبط با بر آورد، دارای ظرفیت ریلی و سقف مجاز انجام کار از سازمان برنامه و بودجه کشور در روز برگزاری مناقصه
۵	عملیات توسعه و بازسازی شبکه های آبیاری و امور فوریتهی سطح منطقه	۱۸۸.۶۰۹.۵۱۴.۱۴۰	۹.۴۳۱.۰۰۰.۰۰۰	۱۲ ماه	دارا بودن رتبه تعیین توان فنی و تشخیص صلاحیت معتبر در رشته آب با رتبه مرتبط با بر آورد، دارای ظرفیت ریلی و سقف مجاز انجام کار از سازمان برنامه و بودجه کشور در روز برگزاری مناقصه
۶	عملیات خط انتقال و شبکه آبرسانی ضلع شرقی و غربی و رفیوژ وسط بزرگراه کردستان از همت تا گننام	۱۸۶.۷۴۴.۰۰۵.۱۴۲	۹.۳۴۰.۰۰۰.۰۰۰	۱۲ ماه	دارا بودن رتبه تعیین توان فنی و تشخیص صلاحیت معتبر در رشته آب با رتبه مرتبط با بر آورد، دارای ظرفیت ریلی و سقف مجاز انجام کار از سازمان برنامه و بودجه کشور در روز برگزاری مناقصه
۷	عملیات اجرای شبکه توزیع و انتقال آب و تجهیز مخزن ۲۵۰۰ متر مکعبی لاله	۱۵۸.۳۹۵.۶۰۱.۳۳۶	۷.۹۲۰.۰۰۰.۰۰۰	۱۲ ماه	دارا بودن رتبه تعیین توان فنی و تشخیص صلاحیت معتبر در رشته آب با رتبه مرتبط با بر آورد، دارای ظرفیت ریلی و سقف مجاز انجام کار از سازمان برنامه و بودجه کشور در روز برگزاری مناقصه
۸	عملیات حفاری و تجهیز چاه قرنی در محل جدید (محدوده منطقه شش)	۶۴.۰۷۹.۳۸۴.۷۰۰	۳.۲۱۰.۰۰۰.۰۰۰	۱۲ ماه	دارا بودن رتبه تعیین توان فنی و تشخیص صلاحیت معتبر در رشته آب با رتبه مرتبط با بر آورد، دارای ظرفیت ریلی و سقف مجاز انجام کار از سازمان برنامه و بودجه کشور در روز برگزاری مناقصه

# راهنمای همشهری

تمام آنچه به دنبال آن هستید فقط با یک کلیک در

# rahnama.com

استخدام  
خودرو  
خدمات  
لوازم خانگی  
کسب و کار  
گردشگری  
املاک  
لوازم الکترونیک

پیر پسر پیشنهادی تازه برای سینمای ایران

# از طراوت و نابودی حادثه

روز نهم

## همشهری



چهل و سومین جشنواره فیلم فجر  
به آخر خطر رسید

# ایستگاه

# پایان

43<sup>nd</sup>  
FAJR INTERNATIONAL  
FILM FESTIVAL

پیش به سوی ستاره شدن نوید پور فرج

## در میان

# موج قلب‌ها و آتش‌ها



## ایستگاه پایانی



سعید مروقی

۱ رسیده ایم به ایستگاه پایانی فجر چهل و سوم؛ به پایان نمایش فیلم‌هایی که بی‌تعارف بیشترشان نتوانستند مورد توجه تماشاگران و منتقدان قرار بگیرند. از فیلم‌های بخش مسابقه که به دلایلی نه چندان موجه تعدادشان زیاد بود، انگشت‌شماری بحث و نظری برانگیختند و بقیه آمدند و رفتند بی‌آنکه گوشه چشمی و اعتنایی را با خود همراه کنند؛ فیلم‌هایی که اغلبشان، از دولتی تا خصوصی، محصول مدیریت سابق سینما بودند و در عصر مدیریت فعلی عرضه شدند و پرسش‌هایی از جنس چرا و چگونه را در اذهان علاقه‌مندان پیگیر سینمای ایران که هنوز پای کار این سینما ایستاده‌اند، ایجاد کردند.

۲ مقایسه میزان استقبال منتقدان و روزنامه‌نگاران از فیلم‌های خارج از مسابقه با فیلم‌های حاضر در بخش رقابتی جشنواره نشانه‌ای آشکار از موهبتی است که فیلم فجر در گذر ایام از دست داده است. وقتی از گرمای و حس و حال جشنواره حرف می‌زنیم، منظورمان همان تضارب آرای شدید میان تماشاگران فیلم «غریزه» سیاوش اسعدی است که موافق و مخالف پرشور، فراوان داشت یا حال و هوایی که جمعه‌شب هنگام نمایش «پیر پسر» اکتای برانه‌ی برج میلاد را مشخصون از حس دریاب اما آشنایی کرده بود که جشنواره مدت‌هاست از آن فاصله گرفته است.

حتی «رکسانا»ی پرویز شهبازی هم با آنکه بیشتر موج مخالف به راه انداخت، به سهم خود در ایجاد حال و هوای فستیوال سینمایی مؤثر بود. می‌توانیم با فیلم‌ها و شیوه ورودشان به مضامین، موافق یا مخالف باشیم، می‌توانیم از تماشا فیلم کارگردانی سرشناس سرخورده شویم و حتی به خشم برآییم. اینها بخشی از قاعده بازی است؛ قاعده‌ای که روزی روزگاری فیلم فجر رعایتش می‌کرد و سال‌هاست که آن را به فراموشی سپرده یا به واسطه تن‌دادن به پاره‌ای ملاحظات کنارش گذاشته است.

۳ سینمای ایران و فیلم فجر، اگر می‌خواهد همان رخداد هیجان‌انگیز سال‌های گذشته باشد و اگر قرار است همچنان به صفت مهم‌ترین رخداد سالانه سینمایی شناخته شود، چاره‌ای جز به‌روز شدن ندارد. این سینما و این جشنواره، باید فرزند زمانه خویشتن باشد. راه دیگری نیست.

در هنر هفتم این سرزمین برداشته شد. نمایش فیلم‌هایی که پشت درهای بسته پلاکتی مانده بودند برای اهالی رسانه هر چند باز هم فیلم را به تماشاگر واقعی سینما یعنی مردم نمی‌رساند اما می‌تواند سرسلسله یک مسیر ممتد برای حل و فصل ماجراهای کلافه‌کننده توقیف و صدور پروانه نمایش باشد. به همین بهانه چند دلخوشی مکتوب از چند فیلم‌ساز و ویژه‌را بخوانید:

مسعود میر

اسمش شجاعت مدیریتی بود یا تقلاهای فرهنگی برای شکستن قفل گنج‌های که فیلم‌های توقیفی در آن تلنبار شده مهم نیست، مهم این است که گامی رسمی و بلند برای برهم‌زدن جریان مسموم خودی و غیر خودی

## درباره فیلم‌هایی که در سانس‌های ویژه برای اهالی رسانه به نمایش در آمدند

# بازکردن قفل گنج‌ها



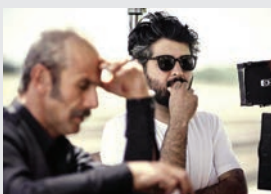
نمایی از فیلم «غریزه» ساخته سیاوش اسعدی



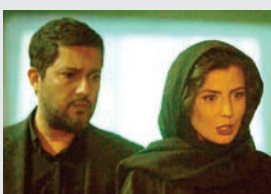
روانشناس لاک پشتی  
فرهاد اصلانی حالا چنان به شرایط فیزیکی خود خو کرده که در مقام بازیگر هم کار را برای تماشاگری که می‌خواهد او را بدون این شمایل و هیبت به یاد بیورد سخت می‌کند. در فیلم بهمین کامیار، او یک روانشناس زخم‌خورده از زندگی قبلی خود است که تمام تلاش خود را برای تکرار تجربه‌های تلخ زندگی‌اش می‌کند؛ تلاشی که هر چند لاک پشتی است، مداوم و قابل اعتناست. آنهایی که در سانس ویژه فیلم لاک پشت را دیدند، حتما سکانس درخشان دوئل ذهنی دونفره اصلانی با صابر ابر را از یاد نخواهند برد.



رخشان مثل رکسانا  
هر قدر که فیلم رکسانا در خلق موقعیت‌های تازه در قواره سینمای کارگردانش (پرویز شهبازی) بی‌رقم جلوه می‌کند، مثل همیشه در تصویر کشیدن خود ذاتی زندگی روزمره، موفق است. نمونه‌اش همین باورپذیر بودن زیست کاراکتر رکسانا (مهسا اکبرآبادی) که بسیار شبیه است به دخترهای پرنیرنگ امروزی که اتفاقاً برخلاف خیالشان فقط برای دلدادگانشان می‌توانند با دروغ به پیش بتازند و در مواجهه با سبیلی سخت زندگی، قدرتی ندارند. این دقیقاً همان رخشانی رکساناست که برای آنهایی که در سانس ویژه فیلم را دیدند، قابل اعتنا بود.



غریزه با حیا  
آخ که چقدر این امین حیایی بعد از «خون‌بازی» درخشان است. با خودتان مرور کنید که جوان اول دیروز چقدر هوشمندانه با خون‌بازی به ذات بازی و انتخاب‌های تلنگر زد و رسید به «شعله‌ور» و «برف آخر» و «زیبا صدایم کن» و البته «غریزه» در محاق مانده. باید اعتراف کرد که این امین حیایی در نقش رسول فیلم آخر سیاوش اسعدی واقعا خواستنی است و باور پذیر. او به کفایت پدر است و بسیار مرد، به قاعده عاشق است و بسیار با منطق؛ پدری که می‌گذارد پسرش برای قد کشیدن و ذوق کردن، در پارک ماشینی پیش براند اما سوار دوچرخه خودش باشد، دقیقاً همه آن چیزی است که از امین حیایی در فیلم غریزه استنتاج می‌شد و آنهایی که در سانس ویژه فیلم غریزه را دیدند، این را تأیید می‌کنند.



پیر پسر کتابفروش  
باید در احوالات بهتر و به قول دوستان بعد از ته‌نشین شدن فیلم در جان، درباره «پیر پسر» بسیار بنویسیم و بنویسیم اما عجلالتا و در لحظه اکنون باید رفت سراغ جناب پیر پسر؛ حامد بهداد حیرت‌انگیز و دیوانه و خواستنی. بهداد در فیلم «اکتای» برانه‌ی فصل تازه‌ای از بازیگری خودش را شروع کرده است. برای مخاطب سینما که او را با او اکت‌های انفجاری‌اش شناخته و هواداری کرده حالا بهداد تازه‌ای رونمایی شده است؛ یک حامد بهداد که اتفاقاً خاموش است اما آتشفشان، آرام است اما فریادش در سکوت به گوش می‌رسد، مانند باروت در انبار است، مانند کلمات در کتاب...



نوید پورفرج امسال با فیلم «گوزن‌های اتوبان» به عنوان بازیگر در جشنواره حضور دارد.



بهترین سال‌های زندگی ما

رویای بیداری



شاپور عظیمی



سینما رفتن همواره عملی است از جنس رویا دیدن. چه آن زمان که در فضای تاریک سالن سینما فیلم می‌دیدیم، چه الان که هر گوشه‌ی خودش یک سالن نمایش است.

هیچ‌گاه در آن سال‌هایی که با انرژی فراوان از این سالن به آن سالن گز می‌کردیم، چه الان که حتی تماشای فیلمی که ۴ سال پشت خط اکران مانده، وجدی بر نمی‌انگیزد؛ سینما همچنان وجه رویابینی‌اش را حفظ کرده است.

جشنواره فیلم فجر مثل سینمای سیاری است که هر سال از محله ما عبور می‌کند و ما هلهله‌کنان به دنبال این نمایش سیار می‌دویم، فیلم می‌بینیم، ذوق می‌کنیم و دائما در دلمان می‌شماریم که... یک روز دیگر از جشنواره گذشت و ما بی‌خبریم! و چند روز دیگر بیش به پایان این حکایت غریب سینمای ایران نمانده است.

امروز واپسین یادداشت از مجموعه یادداشت‌های جشنواره‌ای نگاشته می‌شود و ما می‌رویم تا سال آینده که معلوم نیست چه خواهد شد. اما رویای سینما را پایانی نیست و این کشتی به قول فلینی به راهش ادامه می‌دهد. یا به قول آنجلو پولوس بازیگران سیرک سینما به هنرنمایی ادامه خواهند داد.

فیلم‌ها می‌آیند و می‌روند اما ما نمی‌رویم، هستیم و سال به سال «نوروز» سینما را دنبال می‌کنیم. فارغ از تمام گیس و گیس‌کشی‌های مرسوم در چنین ایامی، به‌نظم باید فقط شش‌دانگ حواسمان را به فیلم‌ها بدهیم، به هیچ نقدی توجه نکنیم، از حواشی بگریزیم، سینما را هدف بگیریم، همچنان رویا ببینیم و در کپکشان سینما باقی بمانیم. ما ساکنان این جهان چشم‌نواز هستیم و چقدر باسعادتیم که سینما هست، جشنواره هست، فیلم هست و «بودن» هست.

پیش به سوی ستاره شدن نوید پورفرج

# در میان موج قلب‌ها و آتش‌ها



نوید پورفرج در صفحه اینستاگرام خود هنگام اکران فیلم ببیدن از مخاطبان صفحه‌اش خواسته بود درباره فیلم نظر بدهند. از میان ۲۲۸ هزار دنبال‌کننده این صفحه که تا امروز ۱۸ پست آن را دنبال کردند، نزدیک به ۷۰ هزار نفر آن را بازنشر کرده‌اند. بیش از ۳ هزار نفر زیر پست نظرشان درباره فیلمی که پورفرج در آن نقش بازی پرس پرورنده را بازی کرده بود نوشته بودند. در میان موج قلب‌ها و آتش‌ها یک دیالوگ شخصیت بازی پرس مورد توجه خانم‌ها قرار گرفته بود: دوست پسر مگه غیرتی می‌شه؟

میان نسل جوان بازیگرانی که در دهه ۱۳۹۰ بازی آنها مورد توجه قرار گرفته نوید پورفرج امکانات و لوازم بیشتری از ستاره‌شدن را در آستین دارد که به او کمک می‌کند بی در پی نقش‌های جوان اول را به او پیشنهاد کنند.

اما آنچه این گلوله شلیک شده به سوی موفقیت را بیشتر شتاب داد، لحظه شلیک بود. او در فیلم «مغزهای کوچک زنگ زده» برای نخستین بار کنار فرهاد اصلاتی و نوید محمدزاده بازی کرد.

میان همه فیلم‌های ایرانی که در طول ۲۰ دهه گذشته داستان‌شان به حاشیه‌های شهر و روابط خشن آدم‌ها در این محدوده می‌پرداخت، فیلم هومن سیدی از ابتدا قرار را بر خفن بودن بیشتر گذاشته بود. در دنیایی که فیلم برای خودش دست و پا کرد، دست و پا زدن پسری که با لباس میلان و سیگاری پشت گوش بیشتر دیده شد؛ مثل بهمین مفید در قیصر که تک گویی اش در صحنه قهوه‌خانه به اندازه خود فیلم دیده شد، مثل چاقو بازی رضا بیک ایمانوردی در فیلم «ضربت» که لاس شدن دست خیلی‌ها را در پی داشت. این فیلم‌ها بازیگران بزرگی داشتند اما

مثل سحابی‌های کپکشان زایشگاه ستاره‌های دیگر شدند. پورفرج در فیلمی که اصلاتی تلاش می‌کرد و محمدزاده عرق می‌ریخت، خودش را عرضه کرد. او که پشتوانه کلاس‌های بازیگری امین تارخ را داشت و توسط سیدی به این ترکیب برای دیده شدن رسیده بود، سنگ تمام گذاشت. در صحنه کند شده هجوم قهقهه به‌دستان او بهترین چشم و نگاه را دارد؛ چیزی که سینما را سینما می‌کند و صاحب آن نگاه را ستاره سینما. بازیگران نقش دوم همیشه امکانات

بیشتری برای بیشتر دیده شدن نسبت به ستاره‌های یک فیلم دارند. «مغز استخوان» فیلمی است که بهترین و بترتیب برای دیده شدن پریناز ایزدیار را مهیا کرده بود. نقش زنی که به‌خاطر فرزندش تن به وصلت با هیولا می‌دهد. فیلم قدرت ایده اصلی را در کلافی از شخصیت‌ها و داستان‌های فرعی کم می‌کند.

اما صحنه‌هایی فراهم می‌کند که بازیگران فرعی بهتر دیده شوند، ایده اصلی را در کلافی از شخصیت‌ها و داستان‌های فرعی کم می‌کند.

چون نسبت به سرانجام قهرمان اصلی و داستان فیلم امکانات موجز و مؤثرتری دارند. باید قبول کنیم که در مغز استخوان نوید پورفرج با لیفتراک از بنز و پرایدی که پریماز ایزدیار و جواد عزتی سوارش بودند، جلو زد و فیلم برایش سکوی پرتاب دیگری شد. او دوباره ثابت کرد که برای حاشیه شهرها قهرمان مناسبی است.

اما او راهی روستا شد؛ روستایی حوالی زادگاهش. پورفرج در «زلالا» در نقشی با مشخصات کاملاً متفاوت با نقش امیر در «مغزهای کوچک زنگ‌زده» گلیم خودش و فیلم را از آب بیرون کشید.

یک فیلم ترسناک تجربی که عامل وحشت‌زای فرازمینی دارد. مسعود احمدی استوار ژاندمری در استانی کردنشین باید گره ترس و وحشت روستا را باز کند. فیلم در محافل گسترده سینمای کردی و غیرکردی بسیار دیده و ستایش شد و در دهکده اقلیم کردستان پورفرج جایزه گرفت. او برای همین نقش در جشنواره سی‌ونهم فیلم فجر بعد از آبار نامزدی برای نقش مکمل، نامزد بهترین بازیگر نقش اول مرد شد اما در کوران کرونا و صورت‌های پنهان پشت ماسک در جشنواره سی و نهم رضا عطاران برای «روشن» جایزه گرفت. نوید پورفرج در دوره‌ای از سینمای ایران گل کرده و بختش گرفته که اغلب بازیگران نقش اول مرد مناسب برای نقش‌های اکشن و درام پا به سن گذاشته و در حال پیدا کردن نقش‌های نوشته شده برای میانسالان هستند. او که هنوز در دهه سوم زندگی است جا دارد که یک دهه نقش جوان اول را به‌راحتی بازی کند. تاس او که فعلاً خوش نشسته و آبار جلوی لیلا حاتمی بازی کرده در دو فیلمی که به جشنواره نرسید.

بازیگران فراوانی در سینمای ایران دوران درخشش

کوته‌ای داشته‌اند و در مقابل بازیگران اندکی هم‌زمان شانس و امکان بروز استعدادهایشان را داشته‌اند. پورفرج امکانات و شانس دارد که دهه پیش‌روی سینمای ایران را به نام خودش کند، به شرط آنکه او به بهای خفن بودن خودش را در حاشیه‌ها متوقف نکند. در سینمای ایران که چرخ‌های فیلمسازی حرف اول را می‌زنند، بزرگ‌ترین بلای جان بازیگران جوان تکرار خودشان است.

در یکی از پست‌های صفحه اینستاگرام نوید پورفرج او در حالی که ۶ تنگه شدن عضلات میان‌نی بدنش به مخاطبان را یادآوری می‌کند مژده بازگشت به تنظیمات کارخانه می‌دهد.

نوید پورفرج در دوره‌ای از سینمای ایران گل کرده و بختش گرفته که اغلب بازیگران نقش اول مرد مناسب برای نقش‌های اکشن و درام پا به سن گذاشته و در حال پیدا کردن نقش‌های نوشته شده برای میانسالان هستند. او که هنوز در دهه سوم زندگی است جا دارد که یک دهه نقش جوان اول را به‌راحتی بازی کند. تاس او که فعلاً خوش نشسته و آبار جلوی لیلا حاتمی بازی کرده در دو فیلمی که به جشنواره نرسید

کوته‌ای داشته‌اند و در مقابل بازیگران اندکی هم‌زمان شانس و امکان بروز استعدادهایشان را داشته‌اند. پورفرج امکانات و شانس دارد که دهه پیش‌روی سینمای ایران را به نام خودش کند، به شرط آنکه او به بهای خفن بودن خودش را در حاشیه‌ها متوقف نکند. در سینمای ایران که چرخ‌های فیلمسازی حرف اول را می‌زنند، بزرگ‌ترین بلای جان بازیگران جوان تکرار خودشان است.

در یکی از پست‌های صفحه اینستاگرام نوید پورفرج او در حالی که ۶ تنگه شدن عضلات میان‌نی بدنش به مخاطبان را یادآوری می‌کند مژده بازگشت به تنظیمات کارخانه می‌دهد.

در دنیای مخاطبانی که تا بازیگر مردی نقش دیوانه و معتاد را از زیر پوستی و زیر گوشتی بازی نکند و لهجه‌اش را تغییر ندهد و زن پوشی نکند، بازیگر و هنرمند نمی‌گویند، نمایش آمادگی بدنی در حد صفحه اینستاگرام فروشندگان مکمل‌های بدنسازی نقض غرض است. او نباید فراموش کند شهرتش را مدیون یک نشئه‌بازی توپ با محمدزاده روی سقف خانه‌ای است که چشم‌اندازش بیابان‌های دورقوز آباد بود.



## از طراوت و نابودی حادثه

فیلم اکتای براهنی پیشنهادی تازه برای سینمای ایران است

مسعود پویا



با نمایش فیلم «پیر پسر» آن اتفاقی که انتظار می‌رفت دست کم یک شب در برج میلاد رخ دهد، بالاخره رفت. جمعه ۱۹ بهمن و در هشتمین روز برپایی جشنواره، سرانجام فیلمی روی پرده رفت که اهالی رسانه را سر ذوق آورد. دومین ساخته بلند سینمایی اکتای براهنی که فیلم اولش «پل خواب» اقتباسی ناموفق از «جنایات و مکافات» داستایفسکی بود، بسا وجود منابع الهام فراوانی که در تیتراژ پایانی اش به عنوان منابع پژوهشی از آنها یاد شده بود، بیش از هر چیز به اقتباسی آزاد از «برادران کارامازوف» شباهت داشت؛ فیلمی با زمانی طولانی که با لحن عجیبش تا پایان تماشاگر نفس به نفس کاراکترها پیش می‌برد و پیشنهادی تازه برای سینمای ایران می‌دهد؛ فیلمی که اگر در بخش مسابقه پذیرفته می‌شد، احتمالاً داوران کار ساده‌ای برای اهدای جوایز می‌داشتند. براساس واکنش‌های حاضران در برج میلاد و میزان تشویق‌ها در تیتراژ پایانی می‌توان گفت از نظر منتقدان و سینمایی‌نویسان تا پایان روز هشتم، «پیر پسر» بهترین فیلمی است که در جشنواره امسال به نمایش درآمده است؛ فیلمی غافلگیرکننده که هم قصه مکان را می‌گوید و هم از روایت زمان باز نمی‌ماند و جا را برای تأویل و تفسیر باز نگه می‌دارد. اکتای براهنی در ۱۹۰ دقیقه تماشاگر را به ضیافتی دعوت می‌کند که چشم‌برداشتن از آن آسان نیست؛ مقدمه‌ای مناسب که حکم ورودی جذابی برای رفتن به دایره‌ای از مردان و زنانی را دارد که فیلمساز با دقت و حوصله برایشان شناسنامه تدارک دیده است، با اجرایی درست و بازی‌هایی قابل اعتنا و در رأس همگی حسن پورشیرازی که استعداد و قابلیت‌هایش را نمایان می‌کند که در فیلم‌های قبلی‌اش سابقه نداشت؛ بدمنی که کلیشه نیست و حضورش تالگو شرارت است بی‌آنکه شبیه نمونه‌های مشابه داخلی یا محصول غرب‌تربرداری از فیلم‌های خارجی باشد. در «پیر پسر» مضامین دلخواه فیلمساز در دل روایت قرار گرفته و از بیرون به فیلم سنجاق نشده است. پرانتزی اگر باز می‌شود بی‌دلیل نیست و خوشبختی اگر هست، بی‌منطق به فیلم راه پیدا نکرده است. اکتای براهنی با مهابت و هوشمندی به تعبیر احمد رضا احدی «از طراوت و نابودی حادثه» می‌گوید.



گفت‌وگو با ابوالفضل صفاری، کارگردان فیلم گوزن‌های اتوبان

# تهران را خیلی دوست دارم

محمد رضاسامی

«گوزن‌های اتوبان» چهارمین ساخته ابوالفضل صفاری است که داستانش در شهر تهران می‌گذرد. ساختن فیلم شهری سختی‌های خاص خودش را دارد، ولی صفاری

معتقد است فیلم ساختن در ایران از هر جای دیگری در دنیا راحت‌تر است و مردم خیلی مهربان هستند و همکاری می‌کنند. او نفس برگزاری جشنواره را اتفاقی مثبت می‌داند که نباید قربانی دو قطبی‌های سیاسی و حواشی شود. با صفاری درباره فیلمش گفت‌وگو کرده‌ایم.

آخرین فیلم شما «یک کامیون غروب»، سال ۱۳۹۵ بود و بین این فیلم و فیلم جدیدتان ۸ سال فاصله افتاده است. البته سال ۱۳۹۷ هم تهیه‌کننده «سامورایی در برلین» بودید. چرا در این مدت فیلم نساختید؟  
حقیقتش این است که فیلم‌های من مستقل هستند و بیشتر بین ایران و آلمان کار می‌کنم. از سال ۲۰۱۰ یک شرکت فیلمسازی در آلمان دارم. سینما برایم مهم است. درست است که در بخش تجاری سینما تهیه‌کننده هستم و تولیداتی دارم که در آلمان و اروپا انجام می‌شود، ولی هر ۴-۵ سال یک‌بار به خاطر

علاقه‌ای که به کشورم دارم، در ژانری که دوست دارم یک فیلم در ایران می‌سازم.  
«گوزن‌های اتوبان» چه داستانی دارد؟  
«گوزن‌های اتوبان» درباره زندگی یک پیک موتوری است که در تهران در یک مغازه مرغ سوخاری کار می‌کند و با دوستانش بعد از پایان کار روی شماره پلاک ماشین‌ها شرط‌بندی می‌کنند که با یک شوخی ساده و احمقانه دچار بحران می‌شود. فیلم، فیلم شهر تهران است. زندگی عمده‌ای از شهر تهران این پیک موتوری‌ها هستند. در واقع موتوری‌ها جمعیت گسترده‌ای را در حمل‌ونقل شهری شامل

می‌شوند. به قول شما پیک موتوری‌ها در تهران خیلی زیادند، ولی معمولاً به عنوان واسطه‌هایی که چیزی را از جایی به جایی دیگر می‌برند چندان به چشم نمی‌آیند. توجه شما چطور به این قشر جلب شد؟  
زندگی اینها خیلی برایم جذاب بود. روی زندگی‌شان تحقیق کردیم و نتایج تحقیقاتمان با ایده شرط‌بندی روی شماره پلاک‌ها تلفیق شد و به همراه آقای باقر سروش فیلمنامه را نوشتیم.  
نقش‌های اصلی فیلم شما را نوید پورفرج و الناز شاکر دوست بازی می‌کنند که





یابوینگر

گذشته چراغ راه آینده



ناهید پیشور

اهمیت بخش بین‌الملل جشنواره فجر از اواسط دهه ۸۰ تقریباً از بین رفت. نمایش فیلم‌های خارجی در عصر عسرت و دسترسی نداشتن به آثار برجسته سینمای جهان، ارزش و اهمیت داشت. به مرور هم فیلم‌ها تکراری شدند و هم‌زمانه عوض شدند. در دهه ۸۰ وی‌اچ‌اس‌های رنگ و رو رفته و سی‌دی‌هایی که دائماً گیر می‌کردند، جای خودشان را به دی‌وی‌دی دادند که خودش انقلابی بود و مجموعه فیلم‌ها و پک کارگردان‌ها از راه رسید. بلوری هم با کیفیتی که قبلاً خوابش را هم نمی‌شد دید، به میدان آمد. هرچه زمان گذشت دسترسی آسان‌تر شد. دیگر هر دانشجویی هم یک سینما، یک هارد پر از شاهکارهای تاریخ سینما در اختیار داشت.

در آخرین سال‌هایی که جشنواره فجر مثلاً بین‌المللی برگزار می‌شد، بخش بین‌الملل را در نیمه اول جشنواره برگزار می‌کردند تا وقتی هنوز تنور فستیوال داغ نشده، این بخش بیاید و برود و جایز برگزیدگانش هم به نیابت از طرف فلان سفیر و کاردار و کارگزار فلان کشور اروپایی تحویل گرفته شود. یک کارکرد مهم بخش بین‌الملل هم دلجویی از فیلمسازان ایرانی بود که قرار نبود در بخش مسابقه سینمای ایران خیلی مورد توجه قرار بگیرند و در عوض سیمرخ‌هایشان را از داوران بخش بین‌الملل می‌گرفتند. در دوره‌هایی سعی شد از فیلم‌های کشورهای دست برای بخش بین‌الملل جشنواره بهره گرفته شود که این هم فقط به کار آوازه‌گری‌های رسمی می‌آمد. در نهایت وقتی در دهه ۹۰ بخش بین‌الملل از جشنواره فجر جدا شد و جشنواره جهانی فجر به راه افتاد کمتر کسی به این تصمیم معترض شد. واضح بود که این جشنواره رخدای داخلی است. در واقع با جداسازی بخش بین‌الملل، این بخش صاحب جشنواره‌ای مستقل شد که تمرکز بیشتر و هدف‌گذاری دقیق‌تر توانست از دوره دومش مخاطب خود را بیابد؛ جشنواره‌ای که پس از چند دوره ابتدا کرونا مانع برگزاری‌اش شد و بعد با تغییر مدیریت سینما، به شکلی عجیب تعطیل شد تا در دوره‌های چهل و یکم و چهل و دوم شاهد بازگشت بخش بین‌الملل به جشنواره‌های باشیم که در بهمن‌ماه برگزار می‌شود. این ۲ دوره شاید غریب‌ترین ادوار برگزاری بخش بین‌الملل در جشنواره فجر باشد که فیلم‌هایش در سکوت خبری به جشنواره راه می‌یافت و به صورت روزانه و حین برگزاری جشنواره اسامی‌شان اعلام می‌شد. از فیلم‌های بخش بین‌الملل این ۲ دوره تقریباً هیچ خاطره‌ای جز برگزاری آیین اختتامیه و اهدای جوایز برجا نمانده و اصلاً معلوم نبود فیلم‌های این بخش‌ها کجا برای مخاطبان بخش می‌شد. جالب اینکه مدیر بخش بین‌الملل جشنواره راند فریدزاده، رئیس فعلی سازمان سینمایی بود و فریدزاده در همان ابتدای مدیریتش اتاق فکری با حضور مدیران ادوار سینمایی تشکیل داد که یکی از خروجی‌هایش حذف بخش بین‌الملل از فیلم فجر بود. داستان بخش بین‌الملل فیلم فجر در همین نقطه پایان یافت تا شاهد بازگشت جشنواره جهانی فجر در سال آینده باشیم؛ جشنواره‌ای که تجربه چند دوره برگزاری دارد و می‌تواند چراغ راه آینده باشد.



مهربانی و احترام برخورد می‌کنند. من تهران را خیلی دوست دارم.

**ظاهراً فیلم شما به فضای مجازی، اینفلوئنسر، فالوئر و لایک هم مربوط است.**

فضای مجازی نه فقط در ایران بلکه در همه‌جای دنیا باعث اتفاقاتی شده است. خیلی از خانواده‌ها درگیر این فضا شده‌اند در دنیا. فیلم‌های بزرگی هم درباره این فضا در جهان ساخته شده مثل «او»، ولی در فیلم ما به شکل متفاوتی به این موضوع پرداخته شده است.

**کیفیت جشنواره فیلم فجر را چطور می‌بینید؟**

جوانان ما کجا می‌توانند دیده شوند؟ متأسفانه ما درگیر مسائل سیاسی، حاشیه‌ای و اتفاقاتی شده‌ایم که ربطی به سینما ندارد. دوقطبی‌هایی که همیشه در کشور ما هست باید تمام شود. برای من مهم است که مردم بروند سینما. در سینما آدم‌هایی هستند که دارند برای زن و بچه‌شان نان می‌برند و برایشان فیلم ارگانی و غیرارگانی و مستقل و غیرمستقل مهم نیست. سینما که فقط کارگردان و بازیگر نیست که دارد میلیاردی پول می‌گیرد. یک‌سری آدم بی‌گناه هم هستند که دارند کار می‌کنند و برای زن و بچه‌شان نان می‌برند. هر جشنواره‌ای، به هر شکل و سلیقه‌ای، درست است. چیزی که من در جشنواره دیدم و خیلی برایم جذاب بود، نظم سال‌ها و کیفیت سال‌ها بود. به‌نظرم باید سال‌ها خوبی برای سینما بسازیم.

نسلی هستیم که فیلم ۳۵ میلی‌متری ساختیم و فیلم بعدی‌ام، «از تهران تا بهشت» دیجیتال شد. من شانس این را داشتم که هم در دنیای ۳۵ میلی‌متری بودم و هم در دنیای دیجیتال. سال‌هاست که اصلاً به جشنواره فجر نیامده‌ام؛ به جز جشنواره فجر بین‌الملل در زمان آق‌سای میرکریمی. خیلی شناختی از جشنواره فجر ندارم. اینکه می‌گویند در جشنواره برای جایزه لابی می‌کنند، من اطلاعی ندارم و اهمیتی هم برایم ندارد. مهم این است که فیلم دیده شود. فیلم ما در هر سینمایی دارد سانس فوق‌العاده می‌رود. این برایم مهم است. مردم برایم مهم هستند.

**گفتید فیلمتان یک فیلم شهری است. ساخت فیلم شهری سختی‌های خودش را دارد؛ از صحنه‌هایی که در خیابان باید گرفت تا هماهنگی‌هایی که باید انجام شود. شما برای ساخت فیلمتان در شهر به مشکلی برخوردید؟**

با توجه به تجربه کاری من در نقاط مختلف دنیا، راحت‌ترین جا برای کار کردن ایران است. در واقع راحت‌ترین جا برای توی شهر کار کردن و فیلم گرفتن، ایران است؛ بسیار راحت است. آنقدر مردم مهربانی داریم که همه همکاری می‌کنند. کار کردن در ایران خیلی برایم جذاب و لذتبخش است. مردم خیلی مراعات می‌کنند. تازه ما چقدر مزاحم مردم می‌شویم توی این ترافیک، ولی مردم خیلی با

قبلا در فیلم «بیبین» با هم همبازی بوده‌اند. انتخاب این دو به تجربه قبلی‌ای که با هم در «بیبین» داشتند، ربط داشت؟

نه، اصلاً ربطی نداشت. فیلم ما موضوع کاملاً متفاوتی دارد. ما بازیگران فیلم را زمان نوشتن فیلمنامه انتخاب کرده بودیم.

**باز خورده‌ها از نمایش فیلمتان در جشنواره چطور بوده؟**

خیلی برایم جذاب بود. واقعیتش حضور من در جشنواره فقط برای این بود که مردم فیلم را ببینند. اهمیت حضور در جشنواره برایم همین است. نکته بعدی این است که جوانانی در فیلم ما هستند که دوست دارم دیده شوند. برایم خیلی مهم بود که فیلمم دچار ممیزی نشود و اگر فیلم دچار ممیزی می‌شد، آن را به جشنواره نمی‌دادم. خوشبختانه ممیزی هم نخوردم. خود جشنواره برایم خیلی اهمیت ندارد.

**پس اگر در داوری فیلمتان مورد توجه قرار نگیرد، خیلی هم ناراحت نمی‌شوید؟**

قطعا داوران سلیقه‌های متفاوتی دارند. ممکن است خوششان بیاید، ممکن هم هست که خوششان نیاید. طبیعی است. یکی از مشاغل من در اروپا و بعضی از کشورهای آمریکای لاتین برنامه‌ریزی جشنواره و یکی از کارهایم انتخاب فیلم است. سلیقه است. نخستین فیلم سینمایی من، «انتهای زمین»، پدیده جشنواره بیست‌وششم فجر شد. من جزو آخرین

## نیاز به بازنگری و تدوین مجدد

نگاهی به فیلم ناتوردشت



افشین علیار



ناتوردشت از نظر فیلمنامه اثری کم‌مایه است که نمی‌تواند بستری مناسب برای قصه‌گویی اش ایجاد کند. فیلم بر اساس یک اتفاق واقعی ساخته شده است. به همین جهت احساس می‌شود که فیلمنامه‌ای در کار نیست؛ یعنی همه چیز بر اساس همان پژوهش از اتفاق واقعی ساخته شده و به همین دلیل فیلم جغرافیا نمی‌سازد و گویش خاصی در دیالوگ‌ها وجود ندارد. پس جهان فیلم هم نمی‌تواند شکل بگیرد. در نیمه اول کارگردانی شلخته است با ریتم بسیار کند و طاقت‌فرسا. هر قدر فیلم جلو می‌رود چرخه اصلی درام نمی‌تواند راه بیفتد به نوعی انگار کلاسیک بودن فیلمنامه در بعضی از سکانس‌ها مانع ایجاد حساسیت بحران شده است و این ضربه به فیلم به این دلیل است که خردمندان به عنوان کارگردان سعی کرده نسبت به واقعی بودن موضوع فیلمش وفادار باشند اما این وفاداری نمی‌تواند در عمل موثر باشد.

گسستی در روند ایجاد رابطه وجود دارد و صریح‌تر بگویم، رابطه‌ها در ابهام می‌ماند. خردمندان سعی داشته کمبود مصالح درام را در ساختار اجرایی جبران کنند اما در اجرا هم نکته خاصی رخ نمی‌دهد، نه آیهان را درک می‌کنیم و نه رابطه‌اش با همسرش را، فرض کنید که آیهان رابطه مخفیانه‌ای با آن زن نداشت و او از فیلم حذف می‌شد چه اتفاقی رخ می‌داد؟ هیچ. کارگردان سعی کرده فضای فیلمش را شلوغ کند تا حرفه‌های عمیق فیلمنامه احساس نشود. آیهان برای احمد کار می‌کند و به شدت از او اطاعت می‌کند پس چه فرایندی پیش می‌آید که در سکانسی نسبت به احمد پر خاش می‌کند؟ وقتی روابط ساخته نشود وقتی مخاطب شناختی از زیست مردم آن روستا نداشته باشد و تمامی اطلاعات به طور ذره‌ای و گنگ به مخاطب داده شود فیلم شکل نمی‌گیرد. اضافه کنید که فیلم به‌طور کلیشه‌ای پند اخلاقی می‌دهد؛ ولی چرا کارگردان این پند اخلاقی را به گونه‌ای دراماتیک و متبصرانه در متن نگنجانده است؟ در شرایط کنونی نکته‌ای در پایان‌بندی مطرح می‌شود که به‌شدت تلویزیونی و دور از انتظار است؛ یعنی آیهان برای رسیدن به پول دست به کار خلافی می‌زند و در پایان به‌طور تصنعی و غلوشده جواب کارش را می‌گیرد. این پایان‌بندی سینمایی نیست و نمی‌تواند مخاطب را تحت تأثیر قرار بدهد. میر سعید مولوی بازی درستی دارد و در بعضی از سکانس‌ها توانسته به درستی تیک‌های عصبی را در چهره‌اش نمایان کند، اما هادی حجازی‌فر در حال درجا زدن است و نمی‌تواند بازی جدیدی از خودش ارائه بدهد. انتخاب حجازی‌فر ضعیف جدی در گروه بازیگران است. این فیلم برای اکران عمومی نیاز به کوتاه‌شدن و تدوین مجدد دارد.

## نگاهی به فیلم رکسانا ساخته پرویز شهبازی

# نفس عمیق در رختکن بازنده‌ها (۱)

### بینود امینی

«رکسانا» ساخته پرویز شهبازی هفته گذشته به‌عنوان یکی از فیلم‌های سانس ویژه جشنواره فجر - تنها برای اهالی رسانه - به نمایش درآمد.

بر خلاف یکی از پر تکرارترین جمله‌های تبلیغاتی فیلم که از شناخت بالای کارگردان «نفس عمیق» از جوانان «نسل زد» خبر می‌داد، رکسانا در دورترین فاصله نسبت به این نسل و آدم‌هایش قرار می‌گیرد؛ بسنا میرطهماسب که برای این فیلم جایزه بهترین بازیگر جشنواره توکیو را دریافت کرده بود، در نقش جوانکی به نام فرد، بیشتر به نقدی سرزنشگرانه از سوی یک پدر سنتی و واپس‌گرا می‌ماند تا حاصل همدلی و شناخت فیلمساز از مصائب و دغدغه‌های نسلی از جوانان این خاک که از قضا در چند سال اخیر نقش قابل توجهی در مملکت داشته‌اند؛ فیلمساز فرد را آسمان جلی بی‌هدف و بی‌تفکر ترسیم می‌کند که کوچک‌ترین نشانه‌ای از ذره‌ای تعقل (یا حتی احساسی عمیق و دیرپا) در او نمی‌توان یافت.

این شکل پرداخت کاراکتر اصلی فیلم، با بازی همیشه یکتواخت و بی‌اوج و فرود میرطهماسب همراه می‌شود تا پیش از رسیدن به حوادث داستان و پیچ و تاب‌های آن، تماشاگر ذره‌ای احساس سمپاتی با فرد نداشته باشد. البته که شخصیت‌های اصلی فیلم کالت و تأثیرگذار نفس عمیق هم انسان‌هایی عمیق و متفکر نبودند ولی شکل پرداخت این کاهلی و پرسه‌زنی آنها به هیچ وجه دافعه‌برانگیز به‌نظر نمی‌آمد.

با پیش‌روی داستان و شکل‌گیری ماکت نصفه‌ونیمه‌ای از یک عشق جوانانه (میان فرد و دختری به نام رکسانا) این احساس غریبی بیشتر می‌شود؛ احساسات فرد چه در هنگامه شکل‌گیری (اصلاً چه می‌شود که او اینچنین دل‌باخته دخترک می‌شود)، چه در بزنگاه بیان (به جز یک نمای فلز از پشت شیشه‌های شطرنجی که با دمده‌ترین رویکرد به ابراز احساسات میان این دو اشاره می‌کند) و چه حتی در بستر رابطه به‌ظاهر نزدیک با رفیق هم‌جنس خود، قابل باور به‌نظر نمی‌رسد؛ طبعاً منظور این نیست که فرد به‌عنوان یک جوان درون‌گرا و سرکوب‌شده (هم از سوی خانواده و هم جامعه) باید در تمام این لحظات احساسی، افشاگرانه و قابل



رکسانا ساخته پرویز شهبازی هفته گذشته به‌عنوان یکی از فیلم‌های سانس ویژه جشنواره فجر - تنها برای اهالی رسانه - به نمایش درآمد. بر خلاف یکی از پر تکرارترین جمله‌های تبلیغاتی فیلم که از شناخت بالای کارگردان «نفس عمیق» از جوانان «نسل زد» خبر می‌داد، رکسانا در دورترین فاصله نسبت به این نسل و آدم‌هایش قرار می‌گیرد.

سهل‌گیرانه و سبک‌سرانه عمل می‌کند؛ پیچ و تاب قصه (از دیدن کیف دخترک تا شکل پیدا کردن کیف‌قاپ و راهنمایی‌های سخاوتمندانه دزد برای یافتن کیف مفقودی!) با یک سادگی احمقانه پیش می‌رود؛ همه کاراکترهای فیلم، از مثبت و منفی، به شکلی باورنکردنی ضریب هوشی پایینی دارند و برای پیش‌برد قصه لاغر فیلم (که گویا برای فیلمساز اهمیت چندانی نداشته در مقابل سودای بازسازی نفس عمیق نسل جدید) دست به هر عمل غیرمنطقی و کودکانه‌ای می‌زنند.

این رویکرد ساده‌گیرانه فیلم و فیلمساز در لحظه دست‌درازی مردی به دخترک - همگام با ایده ناظر فیلم یعنی قربانی شدن هم دختر و هم پسر توسط جامعه و شکل نمایش آن به اوج می‌رسد؛ صحنه‌ای که حتی شکل اجرایش آن را به فیلم‌های یک یا دو دهه گذشته شبیه می‌کند.

رکسانا به آن خفقانی که شاملو در مصاحبه‌ای به آن اشاره کرده بود تا بعدها در عنوان فیلم نفس عمیق ظاهر شود، حتی نزدیک هم نمی‌شود و بیشتر به یک دورهمی از اعضای رختکن تیمی بازنده می‌ماند.

پیش‌بینی عمل‌کننده‌ی این اندازه انتقال تمام نشانه‌های انسانی و سمپاتیک به پشت‌تصویر به بهانه پرداختن به نسلی پیچیده و مبهم، نتیجه‌ای جز انزجار هر چه بیشتر تماشاگر (به‌ویژه سن‌وسال دارها!) از این جوانان و جهان‌شان ندارد.

رکسانا در لحن و منطق پیش‌روی قصه نیز بی‌اندازه



۱ - رختکن بازنده‌ها یادگستی به تهیه‌کنندگی سیاوش صفاریان پور که از قضا مهمان یکی از جنجالی‌ترین اپیزودهایش، بازیگر اصلی فیلم رکسانا است.

۲ - شاملو در مصاحبه‌ای گفته بود قدرت‌های جهان، چه سیاسی و چه اقتصادی، به این سمت می‌روند که تئوری «حق نفس کشیدن ممنوع» را اجرا کنند. (نقل به مضمون از مصاحبه‌ی پرویز شهبازی با مجله فیلم)



## تیغ و ابریشم

## ساعت ناامیدی

فیلم جنجالی حمید نعمت‌الله  
باز هم رنگ پرده را به خود ندید

در دقیقه ۹۰ همان اتفاقی رخ داد که پیش از این هم شاهدش بودیم؛ در حالی که ستاد جشنواره پیش از این اعلام کرده بود «قاتل و وحشی» در جشنواره اکران خواهد شد، دپرو خبر رسید که نمایش فیلم حمید نعمت‌الله منتفی شده است. به این ترتیب «قاتل و وحشی» برای ششمین بار از رسیدن به فیلم فجر بازماند. این فیلم قرار بود صرفاً در برج میلاد و برای اهالی رسانه به نمایش درآید. پیش از این سیدمحمد مهدی طباطبایی نژاد، دبیر پیشین جشنواره فجر و مدیر ارزشیابی و نظارت سازمان سینمایی در سال‌های قبل در گفت‌وگویی در سینمای رسانه جشنواره فجر امسال درباره فیلم «قاتل و وحشی» بیان کرد: «اینکه به‌تازگی اعلام شده این فیلم پروانه نمایش برای حضور در جشنواره فجر دریافت کرده، بی‌اطلاعم و ممکن است چنین مجوزی صادر شده باشد اما اینکه چرا فیلم «قاتل و وحشی» طی ۵ سال در محاق توقیف مانده، علتی دارد که تقریباً همه آن را می‌دانند؛ بیش از ۴۳ دقیقه در این فیلم خانم لیلا حاتمی با سر تراشیده ایفای نقش کرده است. ممکن است این سؤال پیش بیاید که مگر پیش‌تر در سینمای ایران، تصویر زن با سر تراشیده نداشته‌ایم؟ بله، داشتیم و فکر می‌کنم ۶ یا ۷ مورد این سابقه را داشتیم. معروف‌ترین آنها هم فیلم «سرب» است که حدود یک‌ونیم دقیقه خانم فریمه فرجامی با سر تراشیده در قاب حضور دارد. باز ممکن است این سؤال پیش بیاید که اگر نمایش سر تراشیده یک زن همان حکم موی او را دارد، خوب چرا آن یک دقیقه مجاز بوده و این ۴۰ دقیقه مجاز نیست؟ آیا حرمت آن، زمان دارد؟ اینها مسائل فقهی است که طبق قانون تصمیم‌گیری درباره آن برعهده روحانی عضو شورای پروانه نمایش است و آیین‌نامه در این زمینه تأکید دارد.»

طباطبایی نژاد در این مصاحبه در حاشیه برنامه کافه آپارات ادامه داده است: «در تمام این سال‌ها همواره نظر دوستان این بود که از نظر شرعی، برای نمایش این فیلم ممنوعیت وجود دارد؛ چراکه معتقدند از نظر فقهی، پوست سر زن، حکم موی سر او را دارد.»

سعید مستغاثی، منتقد سینما و عضو سابق شورای پروانه ساخت و نمایش نیز در یک برنامه سینمایی گفته بود: «طبق آیین‌نامه روحانی شورا باید در مورد مسائل فیلم «قاتل و وحشی» نظر می‌داد. همه ما با فیلم حمید نعمت‌الله در شورا موافق بودیم و ظاهر لیلا حاتمی هم در این فیلم مانعی از جانب ما نداشت. روحانی شورا از دفاتر مراجع پرسید و آنها جواب منفی به نمایش این فیلم دادند. به نظر من قاتل و وحشی یکی از بهترین آثار سینمایی ما در چند دهه اخیر است.»

مسعود فراسستی نیز در برنامه «کات» این فیلم را جزو آثار قابل قبول سینمای ایران دانست. در واقع فیلمی که از نگاه کارشناسان اثر قابل توجهی است و حتی مضمون ملتهب و خلاف هنجاری هم ندارد، به دلیل تراشیده شدن سر بازیگر زن همچنان راهی به پرده نمی‌یابد.



■ **سه:** فریاد فیلم اول کارگردانش و فیلم سختی به لحاظ ساخت است.

در انتخاب نقش‌ها و بازی‌ها جسور است و به همین دلیل بعد از تماشای فیلم حتما بازی بهزاد دورانی (ارباب) و یاسین طلوعی (هاوار) را به یاد خواهید سپرد؛ بازی‌هایی که بسیار هوشمندانه با ترس و بی‌پروایی ممزوج شده‌اند. فیلمبرداری و طراحی صحنه فیلم بسیار به جان کارنشنسته و البته دکوپاژ آقای کارگردان هم در یک مرغداری و محوطه پیرامونی‌اش دقیق است. به این دلایل ساده ولی مهم، فریاد فیلم خوبی است.

■ **چهار:** هاوار نام کاراکتر باغی و البته نوجوان فیلم است. عنوان فریاد از معنی این نام کردی که در فیلم به کردهای عراق نسبت داده می‌شود، گرفته شده است.

هاوار از پس بیداد و ظلم، صبوری می‌کند و خاموش می‌ماند تا به عصبان برسد و فریاد بزند. سکوت و خاموشی او و البته عصبان و فریادش واقعا درست و نفسگیر از آب درآمده است. به این دلیل، فریاد فیلم خوبی است.

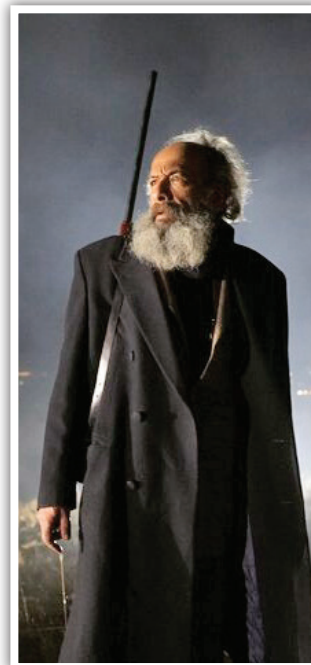
## ۴ ستایش از فریاد که به یادمان می‌آورد سینما مثل زندگی سخت است

## از این بیداد می‌کنم فریاد

مسعود میر

■ **یک:** فیلم بدون هیچ اتلاف وقت و ادا و اطوار اضافی می‌رود سراغ تعریف کردن قصه‌اش. شاید باورتان نشود، اما برای سینمایی که بسیاری از فیلم‌هایش تا رسیدن به داستان اصلی، هزار تاب می‌خورند، این فیلم یادآور می‌شود که سینمای قصه‌گو و استخوان‌دار آنقدر به داستان و کشش آن مطمئن است که بی‌خود وقت تلف نمی‌کند و دست آخر هم مواجه نمی‌شود با انبوه تماشگرانی که معتقدند فیلم نیم‌ساعت اضافه دارد. به همین دلیل ساده، فریاد فیلم خوبی است.

■ **دو:** انبوه فیلم‌های شهری و آپارتمانی و بسیار فیلم‌های مثلاً غیرشهری را که در روستاها و جنگل‌ها اعصاب می‌سایند، بگذارید کنار و فریاد را ببینید که یک فیلم غیرشهری و البته فارغ از سانتی‌مانتالیسم طبیعت‌گراست. فیلم در زمختی و بی‌رحمی حاشیهای روستاهای دورافتاده و کم‌جمعیت، مسافر قصه‌اش را پیاده و در پایان هم بدرقه‌اش می‌کند. به این دلیل ساده، فریاد فیلم خوبی است.



## سینمای زنی در میان جمع

آیا یک وجب خاک می‌تواند سیمرغ بلورین بهترین فیلم  
مستند را دریافت کند؟

پونه مجدفر

«یک وجب خاک» ساخته نیما مهدیان پیش از چهل و سومین جشنواره فیلم فجر، در هجدهمین جشنواره سینماحقیقت روی پرده رفت. فیلم، یک مستند اجتماعی واقع‌گراست که موضوعش را از دل شهر پیدا کرده و با او به گذشته سر می‌زند. زهرا فتحاحیان زنی است در آستانه ۴۰ سالگی و مجرد که همراه دختر نوجوانش به دنبال یک خانه مناسب می‌گردد. این نقطه شروع ماجرای است که هر چه پیش می‌رود تراژیک‌تر می‌شود.

«یک وجب خاک» در امروز متوقف نمی‌شود، جامعه مردسالار را نقد و از نادیده گرفتن حقوق زنان و فرزندان شهدا انتقاد می‌کند و سلامت و عزت نفس آنان را بدون شعاع‌زدگی به تصویر می‌کشد. فیلم به نیمه می‌رسد که تماشاگر متوجه می‌شود زهرا فرزند شهید است و او و مادرش هرگز از این ویژگی بهره و امتیازی نبرده‌اند. فیلم در این مرحله نمی‌ایستد و جدابیتش را حفظ می‌کند، همراه شخصیت پیش می‌رود و با او به امروز می‌رسد؛ به روزگاری که شرایط برای زندگی یک زن و دختر در شهر سخت شده و بالا رفتن بهای اجاره، تأمین زندگی را برای زهرا سخت کرده است.

زهرا زنی از طبقه فرودست نیست. او تحصیلکرده و شاغل است، اما بحران اقتصادی

کمر او را شکسته. «یک وجب

خاک» با نزدیک شدن به شخصیت‌هایش بدون اینکه کارگردانی به چشم بیاید یا گل درشت باشد، تماشاگرش را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

«یک وجب خاک» از چند منظر فیلم مهمی است؛ نخست اینکه تصویری تازه از خانواده قهرمانان جنگ برای بیننده‌اش می‌سازد. دختر قهرمان، تنهاست و هیچ دستی برای یاری او وجود ندارد. نکته بعد، فیلم بدون اینکه ادعای این موضوع را داشته باشد تأثیر شرایط اقتصادی بر زندگی مردم را واکاوی می‌کند. از این منظر فیلم رنگ و بوی زمان ساخت خود را می‌گیرد و به یک سند تصویری از یک دوره دشوار حیات

اجتماعی

ایران امروز تبدیل

می‌شود. «یک وجب خاک» تولید

مرکز گسترش سینمای مستند، تجربی و

پویانمایی است و به‌عنوان یک فیلم که در نهاد

دولتی ساخته شده، مؤثر و جسورانه است؛ فیلمی

که در هجدهمین جشنواره سینماحقیقت تنها

یک جایزه به‌دست آورد؛ جایزه ویژه دبیر برای

شخصیت اصلی یعنی، زهرا فتحاحیان.

با نزدیک شدن به اختتامیه چهل و سومین

جشنواره فیلم فجر، احتمال دریافت سیمرغ

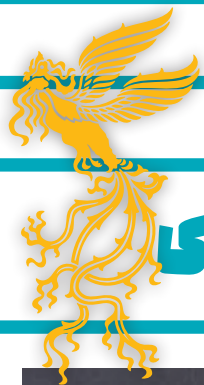
بلورین برای این فیلم بیشتر شده است. باید

دید هیأت داوران کدام‌یک از مستندهای

این دوره را شایسته دریافت سیمرغ

بلورین می‌داند.





## روز نهم فجر چهل و سوم از چشم دوربین

# از حسن پور شیرازی تا رضا رویگری



حسن پور شیرازی، شرمطلق پیر پسر هم به برج میلاد آمد



رضارویگری در فتوکال فیلم شاهنقش حاضر شد



پادیناکیانی، بازیگر فیلم ۱۹۶۸ در مقابل دوربین

### بی نظم منظم

## برای کسی دست نخواهم زد

غیبت نامزدهای جشنواره  
در اختتامیه بی اخلاقی رایج است



علیرضا محمودی

یکی از زشتی‌های جشنواره فیلم فجر در اختتامیه، غیبت اغلب نامزدهاست. یکی از چالش‌های اصلی کارگردان مراسم اختتامیه در دوره‌های مختلف جای خالی نامزدهایی است که به روش‌های مختلف فهمیده‌اند که در جشنواره جایزه به نامزد دیگری رسیده؛ استدلالی که باعث می‌شود نامزدهای برنده نشده خود را به مراسم اختتامیه نرسانند؛ همان ضرب المثل است که گویند محتویات دیگی که برای او نجوشد را مهم نمی‌داند. زندگی کاسبکارانه را می‌شود توجیه کرد، اما زندگی به روش طلبکارانه فاجعه‌ای اخلاقی است. نرفتن به مراسمی که می‌دانیم در آن به میزانی که ما حق خود می‌دانیم به ما توجه نشده، فقط به این دلیل که ما خود را بهترین می‌دانیم، افشاکننده واقعیت درون ماست؛ واقعیتی که هیچ فیلمی نمی‌تواند پوشاننده آن باشد.

در دهه‌های اول برگزاری جشنواره فیلم فجر اغلب نامزدها خود را به تالار وحدت می‌رساندند و سعی می‌کردند حتی در حفظ ظاهر هم شده بزرگ منشی خود را بروز دهند. در برخی دوره‌ها هم هنرمندان یک فیلم به خاطر اعتراض به قوانین جشنواره به رخم برنده شدن به اختتامیه نمی‌رفتند. چه آن حفظ ظاهرنمایشی و چه این نمایش خشم، مغتنم و واقعی بود. ادب و خشیم اگر بیان شود مؤثرند و گرنه ترک کردن صحنه با غر زربلب و بیان نکردن ناراحتی به این دلیل که سینما کوچک است دلیل ندارد با همکاران برنده سرشاخ شد و چیزی به جهان اضافه نمی‌کند. زیباترین لحظه مراسم اسکار در کنار هم قرار گرفتن تصویر نامزد است که فقط یکی از آنها مجسمه را به خانه می‌برد.

این نهایت تصویری است از همدلی هنرمندان و رقابت هنری کسانی که اغلب فیلم‌هایشان را برای تجارت در استودیوهای هالیوود می‌سازند و ادعایی برای ساختن فیلم‌هایی با هدف منزه کردن جهان از پلشتی ندارند. در همین جشنواره فیلم فجر سال‌هایی را به خاطر داریم که بهترین بازیگران تاریخ سینمای ایران برای برنده جوانی شورانگیز کف زدند و کارگردانان بزرگ جایزه گرفتند جوان‌ها را در سالن انتظار تریک گفتند. باعث تأسّف است که نسل‌های جدید هنرمندان سینمای ایران تصویری از خود برجای می‌گذارند که هر تصور اخلاق مدار از پشت صحنه فیلم‌هایشان را پوچ می‌کند.

### عکس نوشت

#### تصویر رایج جشنواره های قدیم

این تصویر رایج در مقابل همه سینمای نمایش دهنده جشنواره بود. همه سرها در برنامه جشنواره برای فهمیدن نام فیلم‌ها و سانس‌ها.

وای به حال کسی که سری بلیت‌های خرید شده‌اش در جدول برنامه‌ها با عنوان «بعد اعلام می‌شود» پر شده بود.

این عکس را عکاس همشهری در ۱۲ بهمن ۱۳۷۳ از روز آغاز جشنواره سیزدهم فیلم فجر مقابل سینما آزادی گرفته است.

